

فرصت پس از جنگ
دیدار سیدمحمد خاتمی با اصحاب رسانهسینمای مهارنشدنی
محسن امیر یوسفی

خرید تخلف با پول

درباره تبدیل آرای تخریبی ماده ۱۰۰ به جریمه

کدام خطرناک تر است؛
امپریالیسم یا کمونیسم؟تحلیل ولی نصر درباره استراتژی کلان ایران
و ریشه‌یابی آن در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سرمقاله

نسخه‌پیچی رادیکال‌ها

مجلس باید از تصمیم‌هایی که می‌تواند
آثار معکوس امنیتی داشته باشد، پرهیز کند

محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

تقویم و فرآیندهای قانونی در اختیار مجلس است و ما نیز ملزم به حرمت‌گذاری و پذیرش جایگاه قانونی نمایندگان هستیم و تعبیر «مجلس چهاردرصدی» مقداری سنگین به‌نظر برسد اما واقعیت این است که امروز ما با مجلس دوازدهم مواجه هستیم. اما حقیقتاً این مجلس در بسیاری از موارد خواست مردم را نمایندگی نمی‌کند. فشارغ از اینکه انتخابات، انتخابات ضعیفی بوده و برخی افراد با میزان مشارکت پایین انتخاب شده‌اند، عملکردهایی که در قالب طرح‌ها و پیشنهادهایی مطرح می‌شود، خود نشان می‌دهد که برخی نمایندگان از فضای اجتماعی جامعه فاصله دارند و درک روشنی از شرایطی که مردم در آن به‌سر می‌برند، ندارند. این رویکردها را بیش از هر چیز باید در قالب حرکت‌های رادیکالیستی و افراطی تعبیر کرد. البته در مرحله رأی‌گیری علنی مجلس و در گفت‌وگوی عمومی نمایندگان چنین مصوباتی به نتیجه نخواهد رسید چون باید توجه داشت که در این مرحله، دیگران نیز شرایط اجتماعی را درک می‌کنند و می‌دانند که در چنین فضایی، موضع‌گیری‌های تند و رادیکال چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. در این رابطه، نقش خود آقای قالیباف نیز بسیار مهم است. ضمن اینکه تصور می‌کنم ایشان نیز با چنین حرکتی مرزبندی دارد، نقش مدیریتی وی برای جلوگیری از طرح چنین پیشنهادهایی و تغییر مسیر مورد نظر برخی از نمایندگان می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. طبیعتاً اگر این نمایندگان بخواهند، قواعدی را بر کشور تحمیل و اعمال کنند این اقدامات بیش از آنکه نقش معناداری در رعایت حال مردم داشته باشد خود را در جایگاه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور قرار می‌دهد. درحالی که برای مقابله با نفوذ و جاسوسی در کشور، راهکارها مشخص است و دستگاه‌های مربوطه مأموریت‌های روشنی دارند و قواعد و قوانین لازم نیز در اختیار آنان قرار گرفته است. بنابراین بیش از آنکه نیازمند اقدامات هیجانی و طرح‌های افراطی باشیم باید به سازوکارهای تخصصی و حرفه‌ای نهادهای امنیتی و اطلاعاتی تکیه کنیم. خروجی این مصوبه‌ها و تصمیماتی که برخی نمایندگان در حال پیگیری آن هستند، می‌تواند به‌نفع حرکت‌های نفوذ و جاسوسی تمام شود؛ چراکه افکار عمومی و روان جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و سرمایه اجتماعی را تضعیف می‌کند. حسب آنچه جناب آقای عراقچی نیز اشاره کردند، برخی از مصیبت‌ها و ضرباتی که به کشور وارد شده ناشی از ضعف‌های امنیتی درون سیستم بوده است. طبیعی است وقتی چنین پیشنهادی را در فضای مدیریتی کشور داریم باید بپذیریم که اینگونه رویکردها نیز می‌توانند به همان حفره‌های امنیتی که ایشان به آن اشاره کردند، کمک کند. به‌جای اینکه با استفاده از ظرفیت مجلس و نمایندگان، به‌صورت اصولی و با تدوین مقررات و قوانین مناسب، برای جلوگیری از عوارضی که می‌تواند به امنیت کشور لطمه بزند، اقدام کنیم، ممکن است نه‌تنها به نتیجه مطلوب نرسیم بلکه آثار معکوس ایجاد کنیم. در نتیجه به همان تعبیر معروف مولانا می‌رسیم که گاهی فرد برای حل مشکلی اقدام می‌کند اما نتیجه کار نه‌تنها حل مشکل نیست بلکه مشکلی مضاعف ایجاد می‌کند. فکر می‌کنم این موضوع مورد نقد همه دلسوزان کشور است و اصلاً نباید آن را یک رویکرد جریان‌ی و خطی تلقی کرد. اصولگرایان معقول و معتدل نیز به هیچ‌عنوان چنین رویکردهایی را به رسمیت نمی‌شناسند و آن را قبول نمی‌کنند. به‌نظر می‌رسد اگر موضوع از سطح کمیته و کمیسیون مربوطه فراتر برود و در صحن علنی مجلس و فضای گفت‌وگوی عمومی مطرح شود، مخالفت‌ها و نقدهای جدی‌تری نسبت به آن شکل خواهد گرفت.

ادامه در صفحه ۷



آدرس اشتباهی نفوذ

طرح تندروهای مجلس که هنوز به تصویب نهایی نرسیده
نه‌تنها نشانی درستی از نفوذ ارائه نمی‌دهد، بلکه زنگ خطری است
برای تشدید سانسور و تنگنا و نیز افزایش شکاف اجتماعی در کشور



عاطفه شمس

گروه سیاسی

علمی، رسانه‌ای، فرهنگی و مدنی نشانه‌رفته است؟ درحالی که تجربه‌های نفوذ در کشور، دست‌کم در سال‌های اخیر، بیش از آنکه از «نفوذ جامعه» حکایت کند از رخنه در لایه‌های حساس، ساختارهای تصمیم‌گیری و سطوح بالای قدرت خبر می‌دهد.

روز گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه مجلس کلیات طرح «مقابله با نفوذ» را با ۱۸۳ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع تصویب کرده و در آن برای مصاحبه

با گفت‌وگو با برخی رسانه‌های خارجی، همکاری علمی با مراکز خارجی خارج از فهرست مورد تأیید وزارت اطلاعات، دریافت کمک مالی از سفارتخانه‌ها و نهادهای خارجی برای سمن‌ها و احزاب، برخی فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حتی «ارائه پیشنهادهای سیاستی و تقنینی تحت هدایت بیگانه» مجازات‌هایی تا ۳۰ سال حبس پیش‌بینی کرده است. این خبر که براساس متنی ۱۹ ماده‌ای منتسب به جزئیات

«طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه» در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور منتشر شده بود به‌سرعت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا کرد اما هیأت‌رئیس مجلس خیلی زود وارد میدان شد و اعلام کرد که نمایندگان در این مرحله اصلاً وارد بررسی مواد و جزئیات نشده‌اند و مجلس فقط به کلیات رأی داده است.

ادامه در صفحه ۲

مجلس هنوز وارد جزئیات طرح «مقابله با نفوذ» نشده اما جنجال بر سر متنی که به‌عنوان مواد این طرح منتشر شد یک نگرانی جدی را ایجاد کرده است؛ طرحی که قرار است با نفوذ مقابله کند چرا بخش مهمی از تیرهای خود را به سمت جامعه و فعالیت‌های



سال نهم شماره ۲۳۰۴
دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵

سیاست

فرصت پس از جنگ

خاتمی در دیدار جمعی از اصحاب رسانه:
تفاهم‌نامه ژنو می‌تواند، ایران را به‌سوی دنیایی بهتر عبور دهد



گروه سیاسی: سیدمحمد خاتمی در دیدار با جمعی از اصحاب رسانه، شرایط کنونی کشور را یکی از «خطرترین و تعیین‌کننده‌ترین» مقاطع پس از انقلاب دانست و با اشاره به جنگ و پیامدهای آن گفت، تهاجم خارجی و جنگ همه‌جانبه، نتوانسته ایران را از پا درآورد اما در مرحله پس از جنگ، نحوه حکمرانی و توانایی در ترمیم شکاف‌های داخلی اهمیت اساسی دارد. او تأکید کرد، جمهوری اسلامی با وجود همه نقص‌ها و نارسایی‌ها «ماندنی است» مگر اینکه حکمرانی نتواند با کمک مردم، مشکلات و عواملی را که موجب فاصله گرفتن بخش بزرگی از جامعه شده، اصلاح کند. خاتمی تفاهم‌نامه ژنو را نشانه‌ای از فرصت پساجنگ دانست و تأکید کرد که «صلح شرافتمندانه» می‌تواند، راه را برای کاهش تنش، بهبود شرایط زندگی مردم و حرکت ایران به سوی آینده‌ای بهتر باز کند.

رئیس دولت اصلاحات، موفقیت ایران در برابر تهاجم اخیر را حاصل دو عامل اصلی دانست: نخست، مقاومت نظامی و فداکاری نیروهای مسلح و فرماندهان که مانع تحقق اهداف دشمن شدند و دوم حضور مردم در دفاع از میهن؛ حتی کسانی که نسبت به شرایط سیاسی و اقتصادی ناراضی بودند، به گفته او این حضور در روزهای نخست جنگ به شکل محسوسی دیده شد اما «در اثر اشتباهات راهبردی و تبلیغات یک‌طرفه» از میزان این وحدت و انسجام کاسته شد.

او در ادامه، دوره پس از جنگ را فرصتی استثنایی برای کشور توصیف کرد و تفاهم‌نامه ژنو را جلوه‌ای از این فرصت دانست. خاتمی از شورای عالی امنیت ملی، فرماندهان، مسئولان و رئیس‌جمهور به دلیل رسیدن به این تصمیم همچنین از تأیید رهبری تقدیر کرد و به‌ویژه شجاعت رئیس‌جمهور در امضای تفاهم‌نامه را مورد توجه قرار داد. او این سسند را از چند جهت دارای اهمیت دانست؛ ازجمله اینکه در شرایطی امضا شده که به گفته او ایران از موضعی عزتمندانه خارج شده و دشمن به اهداف خود نرسیده همچنین تفاهم‌نامه به امضای دو رئیس‌جمهور رسیده است.

خاتمی در ادامه با بیان اینکه اگر همین تفاهم‌نامه جدأً مبنا قرار گیرد و رعایت شود، ایران از یکی از پیچ‌های خطرناک به‌سوی دنیایی بهتر عبور می‌کند، بر ضرورت پابندی همه طرف‌ها به تفاهم‌نامه تأکید کرد و گفت، نقض توافق نباید با نقض متقابل پاسخ داده شود و هر اقدامی که موجب افزایش تنش شود، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. از نگاه او در هر توافقی هم امتیاز داده می‌شود و هم امتیاز گرفته می‌شود و پس از مشخص شدن منافع و امتیازات هر طرف باید مسیر را با «دیپلماسی سنجیده و مذاکره» ادامه داد.

محور مهم دیگر سخنان خاتمی، مفهوم «صلح شرافتمندانه» بود. او صلح را به‌معنای تسلیم نمی‌داند بلکه آن را انتخابی عقلانی برای پایان دادن به جنگ و جلوگیری از ادامه فرسایش کشور توصیف می‌کند. به گفته او، ایران اکنون در موقعیتی قرار دارد که «بقا و موجودیت خود را به دشمن تحمیل» کرده و می‌تواند با پرهیز از تنش، منافع عمومی، عزت کشور و آینده ایران را تأمین کند. او هشدار داد که نمی‌توان با جنگ زندگی کرد و ادامه جنگ، امکان اداره جامعه و تأمین نیازهای مردم را با مشکل مواجه می‌کند. خاتمی در پایان بر ضرورت اصلاح شرایط داخلی نیز تأکید کرد و مشکلات اقتصادی، معیشتی، بیکاری، گرانی و افزایش فاصله میان مردم و حکومت را از مسائل مهم پیش‌رو دانست. او معتقد است عبور از مرحله فعلی، آغاز کار دشوارتر برای اصلاحات ساختاری و رویکردی است و این مسیر باید با حضور و مشارکت مردم دنبال شود.

او همچنین به محدودیت‌های اینترنت پرداخت و با اشاره به وابستگی بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی به اینترنت، ادامه محدودیت‌ها را «مضر و حتی ناممکن» دانست و از رئیس‌جمهور خواست با همان شجاعت و صراحتی که در موارد دیگر نشان داده برای رفع این محدودیت‌ها اقدام کند.

میهن

ادامه تیتیر یک

آدرس اشتباهی نفوذ

اما تکذیب مجلس، اصل نگرانی را از بین نمی‌برد. جزئیات منتشرشده، تصویری از جهت‌گیری یک طرح تدرروانه را ارائه می‌دهد که دامنه آن از مقابله با جاسوسی و انتقال اسرار تا رسانه، دانشگاه، سمن‌ها، هنر، آموزش، ارتباط با سفارتخانه‌ها و حتی ارائه پیشنهاد به نهادهای حاکمیتی کشیده شده است. در این متن برای برخی از این موارد حبس، محرومیت اجتماعی، انحلال تشکل‌ها و حتی مجازات‌های بسیار سنگین پیش‌بینی شده است. بنابراین مسئله اصلی این نیست که آیا کشور باید با نفوذ مقابله کند یا نه؛ روشن است که باید مقابله کند. سوال این است که چرا این طرح برای پیدا کردن نفوذ، دوربین قانون را تا این اندازه روی شهروندان، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان، هنرمندان و تشکل‌های مدنی زوم کرده است؟

اگر این مواد با همین منطق و با تعریف‌های کش‌دار از «ارتباط»، «هدایت»، «اشراف» و «آسیب به مصالح نظام» وارد قانون شوند نتیجه چیزی فراتر از مقابله با نفوذ خواهد بود؛ ساختن یک میدان مین حقوقی برای آزادی بیان و ارتباطات حرفه‌ای و اجتماعی. در چنین شرایطی، مرز میان یک ارتباط عادی با جهان خارج و یک «ارتباط نفوذی» می‌تواند به اندازه تشخیص یک نیت، مبهم شود؛ و این همان نقطه‌ای است که قانون‌گذاری امنیتی، اگر دقیق و محدود نوشته نشود، می‌تواند از هدف اولیه خود فاصله بگیرد.

امنیت با محدودیت؟

مجلس روز یک‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ کلیات طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی، دولت‌ها با نهادهای بیگانه را با ۱۸۳ رأی موافق تصویب کرد. اما جنجالی که به پا کرد، علیرضا سلیمی، عضو هیأت‌رئسه مجلس را ساعاتی بعد مجبور کرد به انتشار جزئیات این طرح و بازتاب‌های آن واکنش نشان دهد. او اخبار مربوط به تصویب مجازات برای ارتباط اقشار مختلف با خارج از کشور را کذب خواند و تأکید کرد که «در حال حاضر صرفاً کلیات طرح مقابله با نفوذ بیگانگان در صحن مجلس به تصویب رسیده و هنوز وارد بررسی جزئیات آن نشده‌ایم».

ایمان شمسایی، رئیس مرکز رسانه مجلس هم با توضیح روند قانون‌گذاری در مجلس گفت که هنوز مشخص نیست، طرح یک‌شوری یا دوشوری بررسی شود بنابراین انتشار خبر درباره تصویب مواد و مجازات‌های آن نادرست است. به گفته شمسایی، طبق آئین‌نامه داخلی مجلس ابتدا کلیات در مجلس بررسی و رأی‌گیری می‌شود. اگر قرار باشد طرح یک‌شوری بررسی شود آن زمان مجلس رسیدگی به جزئیات و بنبدین موارد را شروع می‌کند. اگر تصمیم به بررسی دو شوری آن طرح باشد، جزئیات و مواد برای بررسی بیشتر به کمیسیون مربوط ارجاع خواهد شد تا بعد از رسیدگی مجدد، در دستور مجلس قرار گیرد.

اما اهمیت ماجرا فقط در تصویب یک طرح امنیتی نیست؛ مسئله به مرز میان صیانت از امنیت ملی و تنظیم رابطه حکومت با جامعه می‌رسد. اصل مقابله با نفوذ و جاسوسی، موضوعی نیست که بتوان با آن مخالفت کرد. حتی نمایندگان مخالف کلیات هم چنین مخالفتی نداشتند. نکته اصلی این است که قانون چگونه نفوذ را تعریف می‌کند، چه کسی مصداق آن را تعیین می‌کند و آیا ابزار مقابله با نفوذ، در عمل به ابزاری برای محدود کردن فعالیت‌های عادی علمی، رسانه‌ای، مدنی و فرهنگی تبدیل می‌شود یا نه.

در متن منتشرشده، ماده ۶ ارتباط با رسانه‌های موسوم به «معاند» ازجمله رسانه‌های آمریکایی یا اسرائیلی یا رسانه‌هایی که از سوی آنها تأمین مالی می‌شوند را ممنوع و مشمول حبس درجه ۶ اعلام کرده است. همچنین گفت‌وگو با سایر رسانه‌های خارجی را منوط به اطلاع‌رسانی به سامانه وزارت اطلاعات کرده است. ماده ۷ حتی دامنه را گسترده‌تر می‌کند و ارسال «فیلم، عکس، صوت و هرگونه داده» به رسانه‌های غیرایرانی یا اشخاصی که خارج از کشور فعالیت رسانه‌ای دارند را مشمول مجازات قرار می‌دهد.

در چنین وضعیتی، اگر متن پیشنهادی بدون اصلاح تصویب شود مرز میان «انتقال اطلاعات حساس به بیگانه» و «ارتباط حرفه‌ای یا رسانه‌ای عادی با خارج» باید با دقتی بسیار بیشتر از آنچه اکنون در متن دیده می‌شود، روشن شود؛ وگرنه نگرانی از اثر آن بر آزادی بیان و فعالیت‌های مدنی و حرفه‌ای جامعه، قابل چشم‌پوشی نخواهد بود.

نفوذ از نگاه طراحان

طراحان طرح می‌گویند، نفوذ پدیده‌ای متفاوت از جاسوسی و دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است. به گفته حسن قشقاوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، این طرح پیش از جنگ ۱۲ روزه در حال تدوین بوده، در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بررسی شده و دیدگاه‌ها و نظرات دستگاه‌های مرتبط نیز مورد توجه قرار گرفته بود و هدف آن پر کردن «خلأ قانونی» در حوزه نفوذ است؛ چراکه به گفته او برای

بررسی رویدادهای سیاسی

جاسوسی قانون وجود دارد اما نفوذ به‌عنوان یک فرآیند، چارچوب قانونی مشخصی نداشته است.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز گفت که این طرح پس از حدود یک دهه تأخیر به صحن رسیده و به گفته او از سال ۱۳۹۵ موضوع نفوذ در مکاتبات دستگاه‌های اطلاعاتی مورد توجه قرار گرفته است. او تأکید کرد که ترور شخصیت‌ها و دانشمندان، فعالیت عناصر نفوذی و برخی حوادث سال‌های اخیر ضرورت تصویب چنین قانونی را نشان می‌دهد.

حامیان طرح بر همین اساس معتقدند، قانون موجود بیشتر با «جاسوسی» برخورد می‌کند، درحالی که نفوذ می‌تواند تدریجی، شبکه‌ای و حتی بدون اطلاع فرد از نقش خود در یک فرآیند نفوذی باشد. مصطفی معینی‌آرانی نیز همین تفکیک را مطرح کرد و گفت نفوذ می‌تواند هم فردی و آگاهانه باشد و هم «جریانی»؛ یعنی افرادی بدون آنکه بداندند، افکار و اهداف دشمن را دنبال کنند.

اما همین تعریف گسترده، نقطه حساس ماجراست: هرچه مفهوم نفوذ گسترده‌تر تعریف شود، خطر نزدیک شدن آن به حوزه‌های عادی فعالیت اجتماعی نیز بیشتر می‌شود.

مسلم صالحی، نماینده اقلید هم معتقد است، اتفاقات ناگوار ناشی از نفوذ نشان داده که کشور به قوانین جدید نیاز دارد. اخلاقی‌امیری نیز می‌گوید اگرچه قوانین متعددی درباره نفوذ وجود دارد، یک قانون متمرکز می‌تواند «تمرکز لازم» را برای مدیران اجرایی ایجاد کند و در آینده نقش «قانون مادر» را داشته باشد.

حتی موافقان‌ش هم نگرانند

در سوی دیگر اما نمایندگانی قرار دارند که با اصل مقابله با نفوذ مخالفتی ندارند اما درباره متن طرح هشدار داده‌اند. محسن زنگنه پرسید آیا موافقان بندهای طرح را دقیق بررسی کرده‌اند و هشدار داد که برخی مواد می‌تواند «دست افرادی که مشمول نفوذ و جاسوسی هستند را بیشتر باز کند». او نسبت به ورود طرح به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های مجازی انتقاد کرد. عثمان سسالاری نیز گفت، اصل مقابله با نفوذ «ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، معقول و مقبول» است اما ماهیت بخش‌هایی از طرح قضایی است و از ماده ۱۲ به‌بعد به شکل گسترده، جرم‌انگاری صورت گرفته؛ بنابراین باید الزامات قانون‌گذاری در این حوزه رعایت شود.

محمدرضا صباغیان‌باقری با اصل برخورد با نفوذ موافق است اما معتقد است، قوانین متعددی برای برخورد با تخلفات و جرایم وجود دارد و قبل از تصویب قانون تازه باید بررسی شود که چرا قوانین موجود به‌درستی اجرا نشده‌اند. به تعبیر او، اگر هر بار پس از وقوع یک اتفاق به سمت قانون‌گذاری برویم، نتیجه «قانون پشت قانون» خواهد بود بدون آنکه الزاماً اجرای آنها بهتر شود.

احد آزادی‌خواه نیز در موضعی میانه تأکید کرد که طرح برای محدود کردن اظهارنظر مردم تدوین نشده و هنرمندان، ورزشکاران، دانشگاهیان و نخبگان باید آزادانه اظهارنظر کنند؛ اما در عین حال معتقد بود نفوذی که موجب ناامنی، جنگ، انفجار و ترور شود باید هدف قانون قرار گیرد.

جامعه زیر سایه جرم‌انگاری

گرچه براساس موضع رسمی مجلس، جزئیات این طرح هنوز تصویب نشده اما متن منتشر شده بسیار فراتر از صرفاً برخورد با جاسوسان است و بخش‌هایی از آن در فضای عمومی بیشترین حساسیت را ایجاد کرده‌اند.

ماده یک پیشنهاد سیاسی، تقنینی یا اجرایی تحت هدایت بیگانه، را اگر به امنیت، استقلال، وحدت ملی، بوده‌جه عمومی یا برخی مصالح اساسی نظام لطمه بزند یا حتی اعتماد مردم به نظام را مخدوش کند و ضرر آن جبران‌ناپذیر تشخیص داده شود با مجازات حبس درجه یک تا ۳۰ سال مواجه می‌کند.

ماده سه، ارائه اطلاعات یا آمار به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، نهادهای غیرایرانی یا اتباع خارجی را بدون مجوز وزارت اطلاعات ممنوع کرده و برای آن حبس درجه ۵ و محرومیت دائم از شغل مربوط را در نظر گرفته است.

ماده ۴ دریافت کمک مالی از سفارتخانه‌ها یا نهادهای خارجی برای سمن‌ها، انجمن‌ها، تشکل‌ها و احزاب را بدون مجوز ممنوع می‌کند و حتی انحلال شخصیت حقوقی و محرومیت ۵ تا ۱۵ ساله از فعالیت فرهنگی و اجتماعی را پیش‌بینی کرده است.

ماده ۵ همکاری علمی با دانشگاه‌ها و مؤسسات خارجی خارج از فهرست سلالانه وزارت اطلاعات را ممنوع کرده و برای آن حبس درجه ۶ در نظر گرفته است.

ماده ۶ و ۷ از جنجالی‌ترین بخش‌ها هستند: مصاحبه با برخی رسانه‌های خارجی، ارتباط رسانه‌ای بدون اطلاع‌رسانی به سامانه وزارت اطلاعات و ارسال داده به رسانه‌ها یا اشخاص رسانه‌ای خارج

از کشور می‌تواند، مجازات کیفری داشته باشد.

ماده ۸ ارتباط با سفارتخانه‌ها و دفاتر سازمان‌های غیرایرانی را بدون اطلاع‌رسانی و اخذ مجوز کتبی وزارت خارجه مشمول جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی می‌کند.

در حوزه فرهنگ نیز ماده ۱۴ فعالیت‌هایی مانند فیلم، سریال، مستند، تئاتر، موسیقی و کتاب را در صورتی که تحت هدایت بیگانه تشخیص داده شوند و شرایطی مانند «چهره سیاه از ایران» یا مقابله با نظام را داشته باشند، مشمول مجازات قرار می‌دهد؛ تبصره‌های آن حتی محرومیت دائم از تولید یا تهیه آثار هنری را پیش‌بینی کرده‌اند.

ماده ۱۵ نیز دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی حضوری یا مجازی را در شرایطی که تحت هدایت بیگانه تشخیص داده شوند، جرم‌انگاری می‌کند و برای برگزارکنندگان و حتی در شرایطی شرکت‌کنندگان مجازات در نظر می‌گیرد.

در نهایت، ماده ۱۹ رسیدگی به جرایم این قانون را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار می‌دهد و امکان مصادره اموال و محرومیت از مشاغل مرتبط را نیز پیش‌بینی می‌کند.

از شفافیت ارتباطات تا تفسیر امنیتی

اختلاف اصلی میان دو روایت است. روایت اول می‌گوید، کشور با خلأ قانونی در زمینه نفوذ مواجه است و بدون یک قانون جامع امکان برخورد مؤثر با شبکه‌های نفوذ وجود ندارد. عزیزی می‌گوید هدف اصلی طرح «شفافیت در کردیروهای ارتباطی با بیگانگان» است و فعالیت‌های داخلی جامعه هدف طرح نیست. به گفته او حتی برای ارتباطات نیز تلاش شده فرآیندی سامانه‌ای و شفاف ایجاد شود.

روایت دوم می‌گوید، مشکل از جایی آغاز می‌شود که «نفوذ» آقدر گسترده تعریف شود که فعالیت عادی یک روزنامه‌نگار، پژوهشگر، هنرمند، فعال مدنی یا شهروند را نیز در معرض تفسیر امنیتی قراردهد. اما سلیمی اساساً تأکید دارد که نباید میان «ارتباط» و «نفوذ» خلط کرد. او با اشاره به تجارت، گردشگری، اعزام دانشجو و روابط علمی و ورزشی می‌گوید: «مگر می‌شود کشوری بدون ارتباط باشد؟» و هدف طرح را ارتباطات خاص برای انتقال اطلاعات حساس و افشای اسرار کشور معرفی می‌کند. این توضیح مهم است؛ اما اتفاقاً ضرورت بررسی دقیق متن را بیشتر می‌کند. اگر هدف واقعاً مقابله با نفوذ و انتقال اطلاعات حساس است، قانون باید به شکلی روشن و غیرقابل تفسیر گسترده، مرز میان این رفتارها و ارتباطات عادی جامعه را مشخص کند.

اگر جزئیات منتشرشده به همین شکل یا با دامنه‌ای نزدیک به آن به تصویب برسد، نخستین پیامد، افزایش دامنه مداخله قانون کیفری در حوزه‌هایی است که پیش ازین عمدتاً حرفه‌ای، علمی، رسانه‌ای یا فرهنگی محسوب می‌شدند. روزنامه‌نگاری که با یک رسانه خارجی گفت‌وگو می‌کند، پژوهشگری که با دانشگاهی خارج از کشور همکاری دارد، تشکلی که از یک نهاد خارجی کمک دریافت می‌کند یا هنرمندی که با یک مؤسسه خارجی همکاری دارد، ممکن است با این پرسش مواجه شود که آیا فعالیتش مصداق «ارتباط» است یا «نفوذ» و چه نهادی درباره این مرز تصمیم می‌گیرد.

از سوی دیگر، خود نمایندگان نیز پذیرفته‌اند که این نگرانی‌ها باید در مرحله بررسی جزئیات مورد توجه قرار گیرد. آزادی‌خواه صراحتاً گفت باید اجازه داد مواد در صحن بررسی شوند تا ابهامات و دغدغه‌های مطرح‌شده، برطرف شود. بنابراین مسئله فقط این نیست که «آیا مقابله با نفوذ لازم است؟» پاسخ این سوال برای تقریباً همه طرف‌های بحث مثبت است. مسئله این است که آیا ابزار انتخاب‌شده دقیقاً متناسب با تهدید است یا ممکن است بخش‌هایی از جامعه را به‌جای شبکه‌های نفوذ هدف قرار دهد؟

فعلاً هیچ‌کدام از مجازات‌هایی که پس از انتشار متن پیشنهادی خبرساز شد، مصوبه نهایی مجلس محسوب نمی‌شود. سلیمی تأکید کرده که ۳۳ ماده برای بررسی پیشنهاد شده و نمایندگان در حال بررسی «هر بند، هر واژه و هر خط» هستند و ممکن است، متن تغییر کند.

بنابراین مرحله تعیین‌کننده، نه رأی امروز به کلیات بلکه زمانی است که نمایندگان به تک‌تک مواد برسند. آنجاست که باید مشخص شود، تعریف «نفوذ» چقدر دقیق خواهد بود، معیار تشخیص هدایت یا اشراف بیگانه چیست، نقش ضابطان و نهادهای امنیتی تا کجاست، مجوزهای وزارت اطلاعات و وزارت خارجه چه حدودی دارند و چگونه از تبدیل شدن یک قانون ضدنفوذ به قانون محدودکننده ارتباطات مشروع شهروندان جلوگیری خواهد شد.

مسئله نفوذ به‌خصوص در حوزه‌های حساس امنیتی و حاکمیتی بدون تردید نیازمند مقابله جدی است. اما اگر قرار است قانون برای مقابله با نفوذ تصویب شود باید آدرس نفوذ را دقیق پیدا کند؛ نه اینکه به‌جای شبکه‌های نفوذ در لایه‌های حساس قدرت، دامنه‌اش را تا روزنامه‌نگار، دانشگاهی، هنرمند، تشکل مدنی و شهروندی که با جهان خارج ارتباط دارد، بکشاند.



پاسداران است. ما ترجیح می‌دهیم این بحران را از طریق مذاکره حل کنیم». سه منبع، ازجمله یک مقام کاخ سفید، گفتند که بارزانی بلافاصله پس از گفت‌وگوی خود با وحیدی با گابارد تماس گرفت و او را از پاسخ ایران مطلع کرد. سپس گابارد کاخ سفید را در جریان گذاشت. به گفته یکی از منابع آگاه از مذاکرات کانال مخفی پس از دریافت پاسخ ایران، دولت ترامپ با پیشنهاد دیگری پاسخ داد. آمریکا می‌خواست که بارزانی میزان مذاکرات مخفی بین مقامات ارشد آمریکایی و ایرانی در اربیل باشد. بارزانی دوباره با ایرانی‌ها صحبت و پیام را منتقل کرد. به گفته این منبع، ایرانی‌ها آن را رد نکردند اما نگران امنیت خود بودند. آنها معتقد بودند که اطلاعات اسرائیل، دارایی‌های زیادی در کردستان عراق دارد و نگران بودند که اسرائیلی‌ها سعی کنند آنها را در اربیل یا حین رفت‌وآمد به آنجا ترور کنند.

خاورمیانه

حملات مرگبار اسرائیل به جنوب لبنان

۱۱ نفر شهید شدند

ارتش اسرائیل با وجود برقراری آتش‌بس به حملات خود به مناطق مختلف جنوب لبنان ادامه می‌دهد. به گزارش خبرگزاری رسمی لبنان (NNA) ارتش اسرائیل شهرک برعشیت در شهرستان بنت جبیل را هدف گلوله‌باران توپخانه‌ای قرار داد و یک فرزند پهلپاد اسرائیلی نیز بر فراز این شهرک، بمب صوتی پرتاب کرد. ارتش اسرائیل همچنین بنت جبیل و شهرک صرین را هدف قرار داد. در بخش واقع در جهت حاریص از شهرک حداثا نیز تحرکات خودروهای نظامی ارتش اسرائیل مشاهده شد. ارتش اسرائیل در شهرک طبه در شهرستان مرجعین دو عملیات انفجاری انجام داد. گزارش شده که عملیات انفجار و تخریب در این منطقه همچنان ادامه دارد. در شهرستان صور نیز منطقه اطراف وادی زیقین هدف توپخانه اسرائیل قرار گرفت و یک پهلپاد اسرائیلی اطراف شهرک منصوری را هدف قرار داد. پیش از این نیز در پی حمله ارتش اسرائیل به شهرک طلوسه در شهرستان مرجعین، با وجود آتش‌بس، انفجار شدیدی رخ داده بود. خبرگزاری (NNA) گزارش داده بود که پس از حمله ارتش اسرائیل به شهرک طلوسه، انفجاری شدید رخ داده است اما جزئیاتی درباره نحوه وقوع انفجار و خسارات ناشی از آن منتشر نکرده بود. جنگنده‌های اسرائیلی روز گذشته، با وجود آتش‌بس، در حملات هوایی به شهرک‌های دیرالزهرانی و انصار در جنوب لبنان ۱۱ نفر ازجمله چند کودک را کشتند و ۱۹ نفر را زخمی کردند. حزب‌الله نیز در بیانیه‌ای کتبی به حملات هوایی ارتش اسرائیل در جنوب لبنان که با وجود آتش‌بس به کشته شدن غیرنظامیان منجر شده است، واکنش نشان داد و اعلام کرد، تانیاو برای خدمت به اهداف انتخاباتی‌اش به‌دنبال تشدید جنگ است. دفتر نخست‌وزیری اسرائیل، کشته شدن غیرنظامیان در حملات ارتش این کشور به جنوب لبنان با وجود آتش‌بس را تأیید و ادعا کرده بود که حزب‌الله غیرنظامیان را در این منطقه مستقر کرده است. جمال رشدی، سخنگوی رسمی دبیرکل اتحادیه عرب حملات مداوم و تجاوزکارانه اسرائیل به جنوب لبنان را که از صبح روز شنبه ۱۵ آگوست، غیرنظامیان را در النبطیه و دیگر روستاها و شهرک‌های اطراف هدف قرار داده است با شدیدترین عبارات محکوم کرد.



نظرات یا خواسته‌های دیگری دارند. گابارد خاطرنشان کرد که میانجی‌گران نتوانسته‌اند برای شفاف‌سازی این موضوع با وحیدی تماس بگیرند. بارزانی با درخواست گابارد موافقت کرد. او با رابط خود در سپاه پاسداران تماس گرفت و گفت که پیامی از طرف دولت ترامپ دارد. به گفته یکی از منابع، بارزانی تأکید کرد: «اما من می‌خواهم مستقیماً با ژنرال وحیدی صحبت کنم». ایرانی‌ها موافقت کردند. در ۱۴ مه یعنی ۲۴ اردیبهشت‌ماه یک مقام سپاه پاسداران با یک تلفن رمزنگاری شده برای برقراری یک تماس امن به دفتر بارزانی در اربیل، پایتخت کردستان عراق، آمد. بارزانی از وحیدی پرسید که آیا با مذاکره‌کنندگان ایرانی هم‌نظر است؟ سردار ایرانی پاسخ داد که هست. به گفته یک منبع با آگاهی مستقیم، وحیدی گفت: «من کاملاً از آنها حمایت می‌کنم و این نیز موضع سپاه

جنگ و رقابت‌های فرسایشی خسته شده‌اند همین تفاوت می‌تواند مزیت باشد. آیزنکوت تلاش می‌کند، خود را نه به‌عنوان سیاستمداری تشنه قدرت بلکه به‌عنوان فرمانده‌ای معرفی کند که تجربه جنگ، مسئولیت و هزینه تصمیم‌های امنیتی را از نزدیک لمس کرده است. این تصویر با یک تراژدی شخصی نیز تقویت شده است. پسر ۲۵ ساله او، گال، و دو خواهرزاده‌اش در جریان جنگ غزه کشته شدند؛ موضوعی که جایگاه او را نزد بخشی از افکار عمومی به‌عنوان پدری داغدار و فردی که هزینه جنگ را شخصاً پرداخته، تقویت کرده است.

شکاف با تانیاو

اختلاف آیزنکوت با تانیاو زمانی به اوج رسید که او از کابینه اضطراری جنگ استعفا داد. آیزنکوت، نخست‌وزیر را متهم کرد که دستاوردهای تاکتیکی در میدان جنگ را بر یک راهبرد منسجم و بلندمدت برای پایان دادن به جنگ ترجیح می‌دهد. پس از آن انتقادات او از دولت شدت گرفت. ناکامی در جلوگیری از حمله ۷ اکتبر و ضرورت بازنگری در سیاست‌های امنیتی به محورهای اصلی فعالیت سیاسی او تبدیل شد. از سوی دیگر مطالبه آیزنکوت برای سربازی اجباری همه شهروندان، ازجمله خریدی‌ها، مستقیماً یکی از حساس‌ترین پایه‌های ائتلاف تانیاو را هدف قرار می‌دهد؛ چراکه احزاب مذهبی افراطی از مخالفان جدی گسترش خدمت نظامی به جامعه خود هستند.

حمله متقابل لیکود

با افزایش محبوبیت آیزنکوت، واکنش لیکود نیز تهاجمی‌تر شده است. حزب تانیاو ازجمله تبلیغاتی را با استفاده از هوش مصنوعی علیه رقیب جدید خود منتشر کرده که در آنها مواضع آیزنکوت درباره تعامل با جریان‌های سیاسی عرب هدف حمله قرار گرفته است. این تبلیغات اما نتیجه معکوس نیز داشته و با انتقادهایی مواجه شده است؛ به‌ویژه آنجا که منتقدان، حزب حاکم را متهم کردند از سوگ و رنج شخصی آیزنکوت برای اهداف انتخاباتی بهره‌برداری کرده است.

مسیر سخت تا نخست‌وزیری

با این حال، جلو افتادن آیزنکوت در نظرسنجی‌ها به معنای پیروزی قطعی او نیست. ساختار سیاسی اسرائیل همچنان یک معادله پیچیده ائتلافی است. هیچ حزبی به تنهایی به اکثریت نمی‌رسد و تشکیل دولت، نیازمند حمایت حداقل ۶۱ نماینده از مجموع ۱۲۰ کرسی کنگست است. بنابراین حتی اگر باشار در انتخابات اول شود، آیزنکوت باید ائتلافی متنوع و شکننده ایجاد کند؛ ائتلافی که ممکن است شامل احزابی با اختلافات جدی در موضوعات امنیتی، مذهبی و سیاست خارجی باشد. از سوی دیگر تحولات جنگ غزه، رابطه اسرائیل با آمریکا و وضعیت امنیتی منطقه می‌تواند در هفته‌های باقی‌مانده، افکار عمومی اسرائیل را بار دیگر دگرگون کند.

دور زدن مذاکره‌کنندگان ایرانی؟

تماس آمریکا با بارزانی برای ارتباط با سردار وحیدی

نیاز دارد؛ ۱۰ مه یعنی بیستم اردیبهشت ماه، تولسی گابارد، مدیر وقت اطلاعات ملی با بارزانی تماس گرفت. به گفته دو منبع، با آگاهی مستقیم از این تماس، گابارد به بارزانی گفت که دولت فکر می‌کند، او می‌تواند به برقراری ارتباط با فرمانده سپاه پاسداران، سردار احمد وحیدی، کمک کند. به گفته یکی از منابع، بارزانی در طول جنگ ایران و عراق در ایران زندگی کرد و در دانشگاه تهران تحصیل نمود. او به زبان فارسی مسلط است و با بسیاری از اعضای ارشد نظام ایران ازجمله مقامات عالی سپاه پاسداران، روابط شخصی دارد. برت مک‌گورک که به‌عنوان مشاور خاورمیانه به چهار رئیس‌جمهور خدمت کرده است در مصاحبه‌ای گفت: «نچپروان بارزانی یک مسئله‌گشای عمل‌گراست. او در سراسر منطقه مورد احترام است. او تقریباً همه را در تهران و واشنگتن می‌شناسد. در شرایط اضطرار با او تماس می‌گیرید».

منبع مذکور گفت که گابارد به بارزانی به روشنی فهماند که این تماس را با تأیید رئیس‌جمهور ترامپ و معاون رئیس‌جمهور، ونس انجام می‌دهد. گابارد به بارزانی گفت که کاخ سفید می‌خواهد بداند آیا وحیدی و فرماندهی سپاه پاسداران با آنچه قالیباف و عراقچی مذاکره کرده‌اند، موافق هستند یا اینکه

گروه بین‌الملل: رسانه آمریکایی آکسیوس در گزارشی مدعی است که قرار بود، مذاکرات مخفیانه میان ایران و آمریکا در اربیل اقلیم کردستان عراق برگزار شود که هرگز نشد. آکسیوس در ادامه مدعی شد: در اواسط ماه مه مذاکره‌کنندگان آمریکایی که سعی در دستیابی به توافقی با ایران برای پایان دادن به جنگ داشتند با مشکلی مواجه شدند: آنها نمی‌توانستند، تشخیص دهند آیا افرادی که پشت میز مذاکره نشسته‌اند واقعاً از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قدرتمند صحبت می‌کنند یا خیر. به همین دلیل مقامات دولت ترامپ کار غیرمعتارفی انجام دادند؛ آنها مذاکره‌کنندگان ایران را دور زدند و مستقیماً با رهبری سپاه پاسداران تماس گرفتند. شخصی که برای اِسن کانال مخفی انتخاب شد، نچپروان بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق بود که چیزی را داشت که تعداد بسیار کمی از دیگران داشتند. هم اعتماد رهبران آمریکا و هم فرماندهان سپاه. مذاکره‌کنندگان کاخ سفید به این فکر کردند که مذاکره‌کنندگان ایرانی (محمداقصر قالیباف رئیس مجلس و عباس عراقچی وزیر امور خارجه) اختیار نهایی برای بستن توافق را ندارند و توسط سپاه پاسداران رد می‌شوند. کاخ سفید متوجه شد که به یک کانال مخفی برای ارتباط با فرمانده سپاه

خاورمیانه

رقیب جدی بی‌بی

ژنرالی که خواب تانیاو را آشفته کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در آستانه یکی از حساس‌ترین انتخابات پارلمانی اسرائیل معادلات سیاسی این رژیم با ظهور چهره‌ای تغییر کرده که تا همین چندی پیش در مرکز رقابت‌های حزبی قرار نداشت. گادی آیزنکوت، رئیس پیشین ستاد کل ارتش اسرائیل، اکنون به یکی از جدی‌ترین رقبای بنیامین نتانیاو تبدیل شده؛ ژنرالی آرام و کم‌حرف که برخلاف نخست‌وزیر اسرائیل نه با سخنرانی‌های پرشور و حضور رسانه‌ای پررنگ بلکه با تصویر یک فرمانده نظامی و چهره‌ای خارج از ساختار سنتی قدرت، توانسته توجه بخش مهمی از جامعه اسرائیل را جلب کند. اهمیت این تحول، زمانی بیشتر می‌شود که نتایج تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، آیزنکوت نه‌تنها در محبوبیت شخصی از تانیاو عبور کرده بلکه حزب تازه‌تأسیس او («باشار» نیز در برخی برآوردها از لیکود پیش افتاده است؛ رخدادی که می‌تواند، رقابت انتخاباتی پیش‌رو را به یکی از جدی‌ترین آزمون‌های سیاسی تانیاو در سال‌های اخیر تبدیل کند.

عبور از تانیاو

براساس نظرسنجی منتشر شده از سوی روزنامه عبری‌زبان («معارو» در پاسخ به این پرسش که چه کسی برای نخست‌وزیری ترجیح داده می‌شود، آیزنکوت با فاصله قابل‌توجهی از تانیاو جلو افتاده است. در این نظرسنجی ۴۹ درصد از اسرائیلی‌ها، آیزنکوت را برای نخست‌وزیری ترجیح داده‌اند، درحالی که تانیاو ۳۸ درصد آرا را به دست آورده و ۱۳ درصد نیز هنوز تصمیم مشخصی ندارند. انتخابات سراسری اسرائیل قرار است ۲۷ اکتبر برگزار شود و نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد، رقابت از سطح محبوبیت فردی عبور کرده و به تهدیدی مستقیم برای جایگاه سیاسی تانیاو تبدیل شده است. در سطح حزبی نیز «باشار» با کسب ۲۳ کرسی در صدر قرار گرفته و لیکود با ۲۱ کرسی در جایگاه دوم ایستاده است.

ژنرالی با گذشته جنگی

اما صعود آیزنکوت را نمی‌توان صرفاً نتیجه نارضایتی از تانیاو دانست. شخصیت و سابقه نظامی او، بخش مهمی از سرمایه سیاسی جدیدش را تشکیل می‌دهد. آیزنکوت ۶۶ ساله در طبری به متولد شد و از خانواده‌ای یهودی با ریشه مراکشی است. او در ۱۸ سالگی وارد ارتش شد و تقریباً تمام زندگی



کدام خطرناک‌تر است؛ امپریالیسم یا کمونیسم؟

تحلیل **ولی نصر** دربارهٔ استراتژی کلان ایران و ریشه‌یابی آن در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

را ممکن ساختند و رهبرانی که آن را تثبیت کردند، ایران را در طول دو قرن پیش از خود، مملکتی ضعیف می‌دیدند؛ یعنی ایرانی که در دوران قاجار، زیر سایه استعمارگران بود. ایران در آن دوران، حکومتی ضعیف بود و سایهٔ این ضعف، تأثیری عمیق بر تفکر دولت‌مردان ایران، حتی در دوران پهلوی و به‌ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷ گذاشت. چنان‌که مشاهده می‌کنیم، هرگاه بحث از معاهده، قرارداد یا مذاکره‌ای به میان می‌آید، فوراً به قرارداد ترکمانچای و بازتاب‌های آن در تاریخ ایران اشاره می‌شود. در عین حال، رهبران انقلاب بر این باور بودند که ایران در دوران پهلوی، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در واقع به یک مستعمره تبدیل شده بود».

خطر کمونیسم یا امپریالیسم؟

ولی نصر در ادامه گفت، البته او با این نظریه (که ایران صرفاً یک مستعمره بود) موافق نیست و معتقد است آن کودتا بسیار ساده‌انگارانه به‌عنوان نبردی میان «خوب و بد»، «قدرت‌های خارجی در برابر ملی‌گرایی ایران» یا «دیکتاتوری در برابر دموکراسی» تحلیل شده است و در توضیح نظرش ادامه داد: «به باور من، آن‌چه در آن مقطع رخ داد، در حقیقت تقابل و مناظره‌ای میان دو بینش اساسی در مورد «تهدیدات پیش روی منافع ملی ایران» بود. از یک‌سو، شاه، ارتش و حتی بسیاری از علمای بلندپای آن دوران مانند آیت‌الله بروجردی و بهبهانی، بر این باور بودند که بزرگ‌ترین خطری که ایران با آن مواجه است، اتحاد جماهیر شوروی است؛ کشوری که ۷ سال پیش از آن، شمال ایران را اشغال کرده بود و خطر کمونیسم و حزب توده را به همراه داشت. بنابراین، آن‌ها معتقد بودند ایران با وجود تمام مشکلاتی که با انگلیس داشت، باید با غرب و به‌ویژه

و پیوند آن‌ها با ساختار حکومت و جامعه، به‌شدت خلأ احساس می‌شود؛ در حالی‌که ایران اساساً برای آمریکا، جهان غرب و به‌طور کلی برای جامعهٔ جهانی، همواره یک دغدغهٔ مطرح و کلیدی بوده است. این موضوع به‌گونه‌ای یک «سردرد» (معمای پیچیده) است که به‌راحتی از نظر تئوریک یا بر اساس شناخت روندهای سیاسی قابل توجه نیست. من بر این باور بودم که حجم زیادی از این ابهامات دربارهٔ ایران، به‌دلیل نگاه غرب است؛ نگاهی که ایران را صرفاً یک حکومت تک‌بعدی مذهبی و ایدئولوژیک می‌بیند و تصور می‌کند تمامی اقدامات و تصمیمات آن را می‌توان تنها از طریق انگیزه‌های مذهبی تبیین و تشریح کرد. اما اعتقاد من بر این است که ایران یک «کشور» است و حکومتی که مسئولیت ادارهٔ این کشور را بر عهده دارد، مانند هر کشور دیگری، مجموعه‌ای از خواسته‌های امنیتی و منافع ملی دارد و در پی ارضای این خواسته‌هاست. حال شاید بتوان دربارهٔ ماهیت این خواسته‌ها بحث کرد و آن‌ها را کم یا زیاد، غلط یا درست دانست، اما به‌طور کلی، اگر نگاه به ایران را نه به‌عنوان یک «ایدئولوژی»، بلکه به‌عنوان یک «کشور» آغاز کنیم، می‌توانیم عملکرد آن در روابط منطقه‌ای و خارجی را بهتر تحلیل کنیم و انگیزه دولت‌مردان ایران را در مواجهه با مسائل داخلی و خارجی، درست‌تر بشناسیم. به نظر من، جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷ به‌بعد، به‌ویژه بینشی بسیار واضح و ثابت در مورد منافع ملی و امنیت ملی داشته است و این نگرش، ریشه در تاریخ دارد. در واقع فکر می‌کنم انقلاب ایران در مقطع وقوع‌اش، چه در جناح مذهبی‌اش که تحت مدیریت آیت‌الله خمینی بود و چه در بخش غیرمذهبی‌اش که در حیطهٔ جریان‌های چپ و طرفداران جبههٔ ملی و دموکراسی قرار داشت، بینشی ویژه نسبت به تاریخ ایران داشتند. به‌خصوص کسانی که انقلاب

پانزدهمین عصر یک‌شنبه‌های مجلهٔ «بخارا» که به نقد و بررسی کتاب «استراتژی کلان ایران» تألیف دکتر ولی نصر، ترجمهٔ حامد کاظم‌زاده و حسین قاجاری اختصاص یافته بود، عصر یک‌شنبه ۱۸ مرداد در کتاب‌فروشی دبا با سخنرانی حبیب‌الله فاضلی، احمد بستانی، ولی نصر (ویدئویی) و علی دهباشی برگزار شد.

بینش واضح و ثابت ایران در مورد منافع ملی و امنیت ملی
ولی نصر، مؤلف کتاب «استراتژی کلان ایران» در ابتدای پیام ویدئویی خود گفت: «مایل هستم اندکی درباره «کلان استراتژی ایران» با شما گفت‌وگو کنم؛ هم انگیزه خود را برای نگارش آن با شما در میان بگذارم و هم به این نکته بپردازیم که اهمیت این اثر در مقطع زمانی کنونی برای ایران و ایرانیان چیست؟ ما این نشست را در زمانی برگزار می‌کنیم که ایران دو جنگ بسیار بزرگ و سرنوشت‌ساز را پشت سر گذاشته و در فاصلهٔ میان این دو جنگ، دورانی پرتلاطم را سپری کرده است. من که خارج از ایران ساکنم و از دور مسائل کشورم را دنبال می‌کنم، می‌بینم که این دوران برای تمامی دوستان و مردم ایران، سال‌های دشوار و پرچالشی بوده است؛ با این حال، امید دارم که روزهای بهتری در پیش داشته باشیم. اتفاقات اخیر، به‌ویژه وضعیت ایران پس از آن جنگ چهل‌روزه و مسئلهٔ محاصرهٔ بندرهای ایران توسط نیروی دریایی آمریکا و سپس مذاکرات متوالی از طریق پاکستان، همان محورهایی بود که من در نگارش این کتاب داشتم و این وقایع، ضرورت و اهمیت دیدگاه‌های مطرح‌شده در کتاب را پررنگ‌تر کرد. هنگامی که نگارش این کتاب را آغاز کردم و منابع بسیار متعددی را که در ایران در دسترس بود، بررسی کردم، متوجه شدم که در مورد مباحث مربوط به مسائل راهبردی سیاست خارجی

نمایش خانگی

عبور انحصاری از خط قرمز

نگاهی به سریال کوری؛ گرفتار در شعارزدگی



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

سریال «کوری» به کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده، با سوژه‌ای حساس و کمتر پرداخت‌شده آغاز می‌شود؛ فاجعه مسمومیت با مشروب تقلبی در یک عروسی و پیامدهای قضایی، خانوادگی و اجتماعی آن که البته به‌خودی‌خود امتیازی محسوب نمی‌شود. موضوعی که سال‌ها در لایه‌های پنهان جامعه وجود داشته و کمتر مجال حضور مستقیم در آثار نمایشی یافته، پتانسیل تبدیل شدن به یک درام اجتماعی جدی را داشت، اما سریال از همان قسمت‌های اول نشان می‌دهد که نه جسارت لازم برای کاوش عمیق را دارد و نه مهارت روایی و بصری کافی برای تبدیل این سوژه به اثری تأثیرگذار. نتیجه این موارد، منجر می‌شود «کوری» مجموعه‌ای باشد که بین شعار، کلیشه و عدم انسجام، سرگردان مانده و مخاطب را بیشتر خسته می‌کند تا درگیر. مخاطبان فضای مجازی کوری را «متوسط معمولی»، «تکه‌پاره» یا حتی «ضعیف» توصیف کرده‌اند. این سریال با عبور برخی از خطوط قرمز، وضعیت‌های نمایشی ارائه می‌دهد که برای بدنه فعال در اکوسیستم نمایش خانگی از ممنوعه‌ها محسوب می‌شود، اما سازندگان آن، کاظم دانشی کارگردان اغلب پرونده‌های قضایی، سجاد پهلوان‌زاده کارگردان سریال‌های پلیسی و امنیتی و امیر ایلی منتقد سابق وب‌سایت رجانیز و پیمانکار برخی فیلم‌نامه‌های سازمان اوج، ترکیب قدرتمندی هستند که می‌توانند از برخی خطوط قرمز رسمی عبور کنند و چنین سریالی ساخته شود.

اضطراب، صرفاً بی‌دقتی فنی به‌نظر می‌رسد. فضاسازی‌ها نیز اغلب اغراق‌شده و التهاب‌زده هستند؛ به‌ویژه در سکانس‌های اولیه عروسی و پیامدهای فاجعه، که به‌جای ایجاد شوک واقعی، به نمایشی تصنعی از رنج تبدیل شده‌اند.

کارگردان توانسته از ظرفیت بصری موضوع (کوری، تاریکی، سردرگمی قربانیان و فضای قضایی) استفاده کند. نتیجه، اثری است که از نظر بصری نه مدرن است، نه واقع‌گرا و نه حتی به اندازه کافی دراماتیک. این ضعف در مقایسه با کارهای قبلی پهلوان‌زاده مانند «سقوط» بیشتر



سیر و سلوک: تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که با تصحیح، ترجمه و شرح به انگلیسی سیدجلال حسینی‌بدخشانی منتشر شده، از مهم‌ترین آثار خواجه‌نصیر و نوعی زندگی‌نامهٔ خودنوشت اوست که اطلاعات ارزش‌مندی از زندگی و تحولات فکری این دانشمند بزرگ در اختیار پژوهش‌گران می‌گذارد. سه رساله دیگر از تصنیفات خواجه نصیرالدین طوسی شامل «تولّو و تیز»، «مطلوب المؤمنین» و «آغاز و انجام» هم به تصحیح و ترجمهٔ سیدجلال حسینی‌بدخشانی منتشر شده است. این سه رساله از آثار خواجه‌نصیر در دورهٔ زندگی او در میان اسماعیلیان نزاری هستند و به موضوعات کلامی و معادشناسی از منظر اسماعیلی می‌پردازند.

دستورالمنجمین: نسخه‌برگردان دست‌نویس منحصربه‌فرد کتاب‌خانهٔ ملی فرانسه با مقدمهٔ انگلیسی سیدجلال حسینی‌بدخشانی با همکاری مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلی (لندن) منتشر شده است. «دستورالمنجمین» نخستین کتابی است که در الموت یعنی ۱۱ سال پیش از فوت حسن صباح نوشته شده و این اثر به خط مؤلف آن است و در دانشگاه پاریس محفوظ مانده و از منابع ارزش‌مند برای شناخت تاریخ اسماعیلیان و نیز تاریخ نجوم و گاهشماری در ایران؛ نسخه‌ای که در این اثر به‌صورت نسخه‌برگردان منتشر شده، تنها نسخهٔ شناخته‌شدهٔ این کتاب است.

گزارش: سینمای ایران

سینمای مهارنشدنی

پاسخ محسن امیریوسفی، نایب‌رئیس خانه سینما به جنجال فیلم‌های زیرزمینی

انتشار فیلم «بی‌داد» به کارگردانی سهیل بیرقی روی یوتیوب، بار دیگر نزاع بر سر ساخت و پخش فیلم‌های بدون مجوز در ایران را شعله‌ور کرده است؛ نزاعی که میان انتقادگران سانسور و مسئولان و رسانه‌های حکومتی رقم خورده است. آنچه چند سال پیش، بیشتر به کارگردانان سرشناسی چون جعفر پناهی و محمد رسول‌اف محدود بود، امروز به فعالیت‌ی گسترده تبدیل شده و آمار نشان می‌دهد که تعداد فیلم‌های زیرزمینی ساخته‌شده در ایران رو به افزایش است. فیلم‌هایی که بدون دریافت مجوزهای رسمی از وزارت ارشاد، تولید می‌شوند و بیشتر از طریق جشنواره‌های بین‌المللی یا پلتفرم‌های دیجیتال به تماشای مخاطبان درمی‌آیند. محسن امیریوسفی، نایب‌رئیس خانه سینما، در واکنشی تازه به انتقادهای رسانه‌هایی که خواهان کنترل این سینما هستند، اظهار کرد: «سینمای زیرزمینی، قسمتی مهم از سینمای امروز ایران است که در پاسخ به سال‌ها محدودیت و توقیف و سانسور لجام‌گسیخته در سینمای ایران به‌وجود آمده». به‌نظر می‌رسد این اتفاق که برخی آن را بحران می‌دانند، عمیق‌تر از یک ساختار قانونی است. در دهه‌های شصت و هفتاد، هنگامی که دوربین‌ها آنالوگ بودند، فیلم‌سازان مجبور بودند برای تهیه نگاتیوهای گران‌قیمت به دولت مراجعه کنند. دولت نیز این منابع را تنها در اختیار فیلم‌سازانی قرار می‌داد که طر‌ح‌هایشان خطوط قرمز و محدودیت‌های مدنظر را کاملاً رعایت کرده باشند. اما انقلاب دیجیتالی این معادله را تغییر داد. امروزه دوربین‌ها کوچک، سبک و ارزان‌اند. فیلم‌سازان دیگر نیازی به مجوز دولتی ندارند. نتیجه این شد که یک سینمای «پنهانی» که می‌تواند از چشم و قیچی سانسورگران دور باشد، شکل گرفت.

اختلاف‌نظر درباره راه‌حل

امیر یوسفی، به‌عنوان یک عضو بلندپایه خانه سینما و شاید نماینده غیررسمی فیلم‌سازان، با بخش‌های دولتی کاملاً مواضع متفاوتی دارد. امیر یوسفی در پاسخ به برخی مسئولان که درخواست کنترل سخت‌گیرانه این فیلم‌ها را کرده‌اند، می‌گوید: «ماهیت سینمای زیرزمینی، اصولاً کنترل‌نشدنی و ضدنظارت است». او به‌جای کنترل، راه‌حلی متفاوت پیشنهاد می‌کند: «حذف پروانه ساخت! موضوعی که بسیاری از فیلم‌سازان را همواره آزرده است». امیر یوسفی معتقد است که خانه سینما در سال‌های اخیر، برای پرچیدن شورای پروانه ساخت تلاش کرده تا گامی برای تسهیل فرآیند ساخت برداشته باشد. هرچند تا امروز موفقیتی کسب نشده و با توجه به

ساختار فرهنگی امروز، بعید به‌نظر می‌رسد آن اتفاق ایده‌آل فیلم‌سازان رخ بدهد. امیر یوسفی همچنین نوشته است «اگر هر نقدی هم به آن داشته باشیم، ابتدا باید درک کنیم» و به‌نوعی مخالفان را دعوت می‌کند به‌جای حذف و برخورد قهری، سعی در شناخت این پدیده رو به گسترش داشته باشند. او در این متن می‌نویسد که ایران در بحران معیشتی است و «امکانات عمومی و مجوزهای سینمایی بیشتر در اختیار گروهی خاص» است.

عطش جشنواره‌ها

فیلم‌های زیرزمینی سینمای ایران، اغلب شامل موضوعاتی هستند که سینمای رسمی و تصمیم‌سازان فرهنگی معمولاً با اتهاماتی چون سیاه‌نمایی یا ضدملی بودن به آنها می‌تازد. موتیف‌هایی چون زندگی زنان، فقر، واقعیات تلخ و مشکلات اجتماعی و... در حالی که حاکمیت و سینمای ایران عملاً به این فیلم‌ها روی خوش نشان نداده و برخورد حذفی با آنها دارند، اما جشنواره‌های بین‌المللی علاقه‌مندی ویژه‌ای به آنها نشان می‌دهند. البته نباید فراموش کرد که این علاقه‌مندی جشنواره‌های معتبر بین‌المللی، صرفاً برای کیفیت فنی این فیلم‌ها نیست، بلکه به‌خاطر زاویه دید متفاوتی است که نسبت به سینمای رسمی ارائه می‌دهند. این موضوع باعث شده تمایل فیلم‌سازان برای ساخت فیلم‌های زیرزمینی بیشتر شود، چراکه شاید اکران رسمی در ایران را از دست بدهند اما در عوض، اکران بین‌المللی و نمایش در جشنواره‌های معتبر را دارند. آنها مخاطبان داخلی را هم دارند؛ چراکه فیلم‌هایشان در فضای اینترنتی در اختیار علاقه‌مندان ایرانی قرار می‌گیرد.

دوقطبی سینمایی

سینمای ایران در شرایط دوقطبی دشواری قرار گرفته است و باید دید آیا می‌تواند این چالش را حل کند. هرچند واقعیت این است که در حال‌حاضر هیچ دورنمای امیدبخشی در این رابطه دیده نمی‌شود. نکته اینجاست که در حال‌حاضر بزرگ‌ترین مشکل سینمای رسمی ایران، مواجهه با واقعیات اجتماعی است. این موضوعی است که طی دهه‌های اخیر، همواره وجود داشته اما واقعیت این است که تغییرات اجتماعی گسترده با سرعت بسیار زیادی، طی سال‌های اخیر رخ داده‌اند اما سینمایی که شاید در دهه شصت فاصله کمی با تصویر واقعی جامعه داشت، روز به‌روز از این موضوع فاصله بگیرد، به‌طوری‌که امروز فیلم‌هایی که با مجوز، ساخته می‌شوند اغلب نمی‌توانند تصویری واقعی و قابل‌باور را از اجتماع ایران بسازند. در آن سو، سینمای زیرزمینی است که شاید فیلم‌نامه و کارگردانی و تولید قدرتمندی نداشته باشد، اما دست‌کم تصویری که ارائه می‌دهد به‌مراتب شباهت زیادی به زندگی جامعه ایران دارد. حالا این سوال پیش می‌آید که آیا تصمیم‌سازان و سینمای رسمی می‌تواند سینمای زیرزمینی ایران را که می‌تواند نشانه‌هایی از یک جنبش سینمایی را داشته باشد، کنترل کند؟ یا به مسیری که خودش می‌خواهد بپردازد؟ در حال حاضر، به‌نظر می‌رسد دوربین‌های دیجیتال و امکانات قابل دسترسی، علاقه‌مندی جشنواره‌های بین‌المللی و استقبال مخاطبان داخلی، باعث خواهد شد که شاهد تولید بیشتر فیلم‌هایی باشیم که امروز نام‌شان «فیلم‌های زیرزمینی» است.

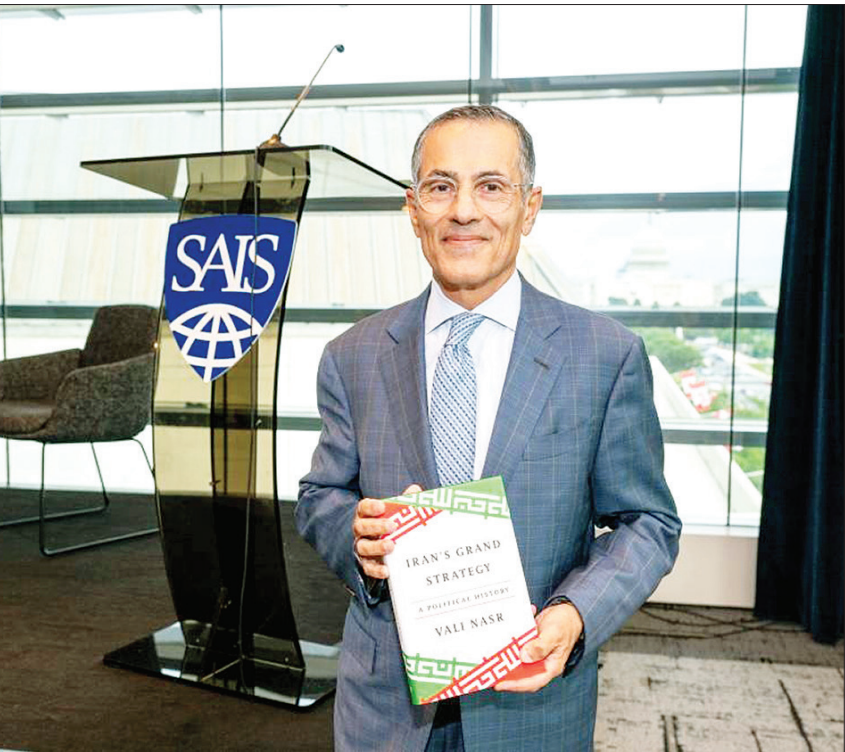
کرده و گام‌به‌گام از خاورمیانه خارج سازد. نزاع با آمریکا در لبنان، تقابل در عراق و سرمایه‌گذاری در نیروهای نیابتی در سراسر خاورمیانه، همگی در راستای تحقق این راهبرد کلان پدید آمده‌اند. در این کتاب مطرح می‌شود که شناخت این راهبرد کلان و درک این نکته که چرا تمامی نهادهای سیاست خارجی و حتی سیاست‌های داخلی نظام جمهوری اسلامی حول این محور شکل گرفته‌اند، بهتر می‌تواند سیاست‌های ایران را توجیه و تبیین کند. ایران جمهوری اسلامی، بر پایهٔ مفهومی از «مقاومت» در معنای بسیار مبسوط آن ساخته و پرداخته شده است؛ مقاومتی که در حقیقت، دفاع از استقلال ایجاد شده توسط انقلاب در برابر آمریکاست، چرا که آمریکا معاند اصلی این استقلال تلقی می‌شود. حتی دو جنگ اخیر را نیز باید از این منظر و به‌عنوان «جنگ‌های استقلال» (از دیدگاه امرای جمهوری اسلامی) تحلیل کرد. هدف من این بود که نشان دهم نمی‌توان جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را صرفاً از منظر مذهبی و ایدئولوژیک نگرِست، و یا عملکرد آن در خاورمیانه را تنها به میل به «صدور انقلاب» (آن‌گونه که در سال‌های نخست انقلاب مطرح می‌شد) تقلیل داد؛ بلکه باید این راهبرد کلان را شناخت تا درک کنیم ایران به‌دنبال چیست».

ولی نصر در بخش پایانی سخانش گفت: «فکر می‌کنم اکنون به این نقطه رسیده‌ایم که مقاومت، بالمال، به جنگ با آمریکا و اسرائیل کشیده شده است. این جنگ توانسته مقاومت را از بین ببرد و آن استقلالی را که جمهوری اسلامی به‌دنبال آن بوده، از میان بردارد. یعنی فرضیهٔ آمریکا و اسرائیل، به نظر من، این بوده که چه در جنگ ۱۲ روزه و چه در جنگ ۴۰ روزه، می‌تواند بالمال این سیاست خارجی و راهبردی را که ایران به‌دنبال آن بوده، از میان بردارد و حتی خود جمهوری اسلامی را منهدم کند. این اتفاق نیفتاده است؛ یعنی این نظام و این راهبردی را که جمهوری اسلامی دنبال کرده، بالمال توانسته در این دو جنگ جمهوری اسلامی را تنست بکند، ولی از این‌جا به جلو، آن‌چه مقابل ایران قرار دارد، بالمال یک نوع منظره است بین این‌که مقاومت به چه چیزی احتیاج دارد و آیا کماکان قابل توجیه است یا آیا هزینه‌ای را که از مردم ایران خواهد خواست، برای مردم قابل قبول است؟»

از منظر فنی، نقص‌ها کم نیستند. صداگذاری مجدد دیالوگ‌ها در بسیاری از صحنه‌ها، آفندر آشکار است که توهم واقع‌گرایی را از بین می‌برد. این نقص فنی برای اثری که بخش مهمی از تأثیرش را باید از اتسفر و فضا بگیرد، ضربه‌ای جدی است. مشکلات دیگر مانند لرزش دوربین و گاهی طراحی صحنه و لباس‌های ناهماهنگ نیز به تجربه تماشا آسیب زده‌اند. این ضعف‌های تکنیکی در کنار مشکلات روایی و بصری، سریال را به اثری تبدیل کرده که حتی حداقل‌های حرفه‌ای شبکه نمایش خانگی را هم به‌سختی برآورده می‌کند.

شعار بدون عمق

پیام اجتماعی که سریال «کوری» می‌خواهد بدهد، شعار بدون عمق است. این مجموعه ادعای پرداختن به یک زخم اجتماعی کمتر دیده‌شده را دارد، اما در عمل، جسارت لازم را نشان نمی‌دهد. نقد سیستم قضایی، پلیس و چرخه معیوب تولید مشروب تقلبی، اغلب در حد دیالوگ‌های شعاری باقی می‌ماند. ما شاهد تصویر ضعیف و گاه متناقض از نیروهای انتظامی و قضایی هستیم. سریال ترجیح می‌دهد روی رنج شخصی قربانیان و خانواده‌ها تمرکز کند تا اینکه ساختارهای ایجادکننده فاجعه را کالبدشکافی کند. از این‌رو، با اثری مواجهه می‌شویم که هم از نظر دراماتیک ضعیف است و هم از نظر اجتماعی سطحی. «کوری» نمونه‌ای کلاسیک از هدر رفتن یک سوژه خوب و به‌روز (ترند) در اجرایی متوسط رو به ضعیف است. کارگردانی سطحی، فیلم‌نامه نامنسجم، بازگرری ناهماهنگ، نقص‌های فنی و شعارزدگی، باعث شده‌اند سریال نتواند مخاطب را درگیر کند یا تأثیری ماندگار بگذارد. حاشیه‌های پیش از پخش (مسائل مجوز و شایعات) بیش از کیفیت خود اثر، توجه جلب کرده بود و متأسفانه پس از انتشار هم کیفیت، آن حاشیه‌ها را توجیه نکرده است. اگر سریال در قسمت‌های بعدی نتواند انسجام روایی پیدا کند، شخصیت‌ها را عمیق‌تر کند و از کلیشه‌ها فاصله بگیرد، بعید است به یکی از آثار قابل‌توجه سال تبدیل شود. در وضعیت فعلی، بیشتر به اثری متوسط و فراموش‌شدنی شبیه است که ظرفیت موضوعی‌اش را هدر داده است.



را به ایران ببخشند. از آن زمان تاکنون، جمهوری اسلامی همواره در نبردی برای حفظ و دفاع از همان استقلالی بوده است که باور دارد در وهلهٔ انقلاب به دست آورده است. رهبران انقلاب در طول زمان، همواره با اشاره به دوران شاه، تأکید داشتند که جمهوری اسلامی نخستین حکومتی است که آزادی را به ایران بازگردانده و معتقد بودند آمریکا می‌کوشد جمهوری اسلامی و انقلاب ایران را شکست دهد تا بار دیگر ایران را به وضعیت مستعمره بازگرداند.

بینشی که من در این کتاب مطرح کرده‌ام نیز بر همین محور است که اگر به منابعی که عملکرد و تصمیم‌گیری‌های جمهوری اسلامی را تحلیل می‌کنند بازگردیم، می‌بینیم که این نظام از سال ۱۳۵۷ به‌تدریج خود را با راهبردی کلان عجین کرد که محور آن «حفظ استقلال ایران» است؛ راهبردی که در آن، جمهوری اسلامی حاضر است برای پاس‌داشت این استقلال، هر هزینه‌ای را بپردازد. در واقع، ایران در یک نبرد تقریباً ۵ دهه‌ای با ایالات متحده برای حفظ این استقلال درگیر شده است. این روند ابتدا با بیرون راندن آمریکا از ایران (به‌ویژه پس از ماجرای گروگان‌گیری در سفارت) آغاز شد و از آن زمان، جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده است تا آمریکا را از مرزهای خود دور

دارد؛ در سکانس‌هایی با التهاب اغراق‌شده مواجهه هستیم و در مقابل سکانس‌های دیگر کند و ملال‌آورست. شعارزدگی در دیالوگ‌ها مشهود است. جملاتی درباره «عدالت برای همه» یا نقد سیستم، به‌جای اینکه از دل موقعیت دراماتیک بچوشند، روی موقعیت سوار شده‌اند و مصنوعی به‌نظر می‌رسند. سریال ادعا می‌کند می‌خواهد سراغ ریشه‌های یک بحران اجتماعی برود، اما در عمل در سطح حادثه و پیامدهای شخصی باقی می‌ماند و از کاوش ساختاری در تولید و توزیع مشروب تقلبی، فساد یا ناکارآمدی سیستم قضایی طفره می‌رود. بسیاری از مخاطبان فضای مجازی، به این نکته اشاره کرده‌اند که سریال هنوز نتوانسته صدای مستقل خودش را پیدا کند و بیشتر شبیه امتداد جهان‌بینی آشای کاظم دانشی (کارگردان و نویسنده آثاری مثل «علفزار» و «بی‌بدن») است تا اثری تازه.

بازیگران و نقدها

در زمینه بازیگری، متأسفانه کارگردان ناهماهنگ و در مواردی ناامیدکننده عمل کرده است. کیفیت بازی‌ها یکدست نیست. مرِیلا زارعی که معمولاً یکی از مطمئن‌ترین بازیگران سینمای ایران است، در این سریال اجرایی ارائه داده که چندین منتقد آن را یکی از ضعیف‌ترین کارهای حرفه‌ای‌اش دانسته‌اند: سطحی، فاقد ظرافت و لایه‌های احساسی همیشگی. این ضعف در نقش‌هایی که نیاز به پیچیدگی عاطفی دارند، بیشتر به‌چشم می‌آید.

امیر جعفری نیز در برخی قسمت‌ها نتوانسته عمق لازم را به شخصیت بازپرس بدهد. برخی نقش‌های فرعی (به‌ویژه شخصیت‌های جوان خانواده) در حد تیپ باقی مانده‌اند و بازی‌های آنها گاه اغراق‌شده یا بی‌جان است. در مقابل، برخی اجراها مانند حدیث میرامینی در نقش‌های محدود، مورد تحسین نسبی قرار گرفته‌اند. همچنین بازی امیر نوروزی در نقش سرگرد ضرابی چشمگیر است. با این حال، این نقاط مثبت نمی‌توانند ضعف کلی بازیگری را جبران کنند. وقتی بازیگران باتجربه‌ای مثل زارعی و جعفری نتوانند از پس نقش‌هایشان برآیند، مشکل بیشتر به کارگردانی بازگر و ضعف فیلم‌نامه برمی‌گردد تا خود بازیگران.

به‌چشم می‌آید و نشان می‌دهد که انتقال به فرمت سریالی با این تیم، موفقیت‌آمیز نبوده است.

فیلم‌نامه نامنسجم

یکی از مشکلات این سریال، مربوط به فیلم‌نامه نامنسجم، دوپاره و فاقد کشش است. از همان ابتدا دو خط روایی موازی شکل می‌گیرد: تحقیقات بازپرس (یونس) درباره پرونده مشروب تقلبی و زندگی خانواده‌هایی که قربانی شده‌اند. اما این دو خط به‌جای تکمیل یکدیگر، یکدیگر را قطع می‌کنند و سریال را به اثری دوپاره تبدیل کرده‌اند. شخصیت‌پردازی سطحی است. مخاطب پس از چندین قسمت هنوز نمی‌تواند با شخصیت‌های اصلی همراه شود یا انگیزه‌های عمیق آنها را درک کند. تعدد شخصیت‌ها بدون ایجاد روابط منطقی و ضروری، باعث پراکندگی روایت شده است. گر‌های داستانی یا دیر باز می‌شوند یا به شکلی غیرمنطقی رها می‌شوند. تغییر مسیرهای ناگهانی بیشتر حس فریب مخاطب را القا می‌کند تا تعلیق هوشمندانه. همچنین ریتم قصه مشکل



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بورس در ایستگاه تعادل

فروشنندگان چگونه دست بالاتر را گرفتند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران در نخستین روز هفته با دو تصویر متفاوت همراه شد. بازاری که صبح را با امید به ادامه صعود آغاز کرد اما هرچه به پایان معاملات نزدیک شد، فروشنندگان حضور پررنگ‌تری پیدا کردند. شاخص کل که در دقائق ابتدایی تا ارتفاع ۵ میلیون و ۷۷۱ هزار واحد پیش رفته بود، نتوانست این موقعیت را حفظ کند و تقریباً تمام رشد خود را پس داد. با این حال افزایش عرضه به موج فراگیر فروش تبدیل نشد و عملکرد بهتر نمادهای کوچک و متوسط اجازه داد، شاخص هم‌وزن روز را در محدوده مثبت به پایان برساند. نتیجه معاملات شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ بازاری متعادل اما محتاط بود؛ بازاری که از یک‌سو همچنان از ارزش بالای معاملات و برتری تعداد نمادهای مثبت برخوردار است و از سوی دیگر خروج سنگین پول حقیقی، نشانه‌ای از افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران به‌شمار می‌رود. شاخص کل بورس در پایان معاملات دیروز تنها ۱۴۳ واحد افزایش یافت و در سطح ۵ میلیون و ۷۳۶ هزار و ۶۲۶ واحد ایستاد؛ تغییری که در مقیاس شاخص تقریباً معادل صفر بود. در مقابل، شاخص هم‌وزن یک‌هزار و ۵۹۵ واحد معادل ۰.۱درصد رشد کرد و به سطح یک‌میلیون و ۶۰۶ هزار و ۴۳۹ واحد رسید. فاصله عملکرد این دو شاخص نشان می‌دهد که وضعیت سهام کوچک و متوسط اندکی بهتر از نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بود. این درحالی است که بازار در ابتدای معاملات شرایط متفاوتی داشت. افزایش تقاضا باعث شد شاخص کل تا ۵ میلیون و ۷۷۱ هزار واحد بالا برود و حدود ۳۵ هزار واحد نسبت به سطح پایانی هفته گذشته رشد کند. اما این موقعیت پایدار نماند و افزایش عرضه در نمادهای بزرگ تقریباً تمام رشد شاخص را از بین برد. با وجود این عقب‌نشینی، معاملات وارد فاز منفی سنگینی نشد. تابلوی بورس نیز چنین تصویری را تأیید می‌کند. در پایان بازار ۴۵۷ نماد در محدوده مثبت و ۳۶۶ نماد در محدوده منفی معامله‌شدند. بنابراین تعداد نمادهای سبز همچنان بیشتر از نمادهای منفی بود. وضعیت صف‌های خرید و فروش نیز نشان‌دهنده برتری نسبی تقاضا بود. ۲۸۹ نماد با صف خرید و ۱۸۷ نماد با صف فروش، معاملات را به پایان رساندند. ارزش سفارش‌های خرید به ۷ هزار و ۱۳۶ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۲ هزار و ۱۵۰میلیارد تومان بود. به این ترتیب ارزش سفارش‌های خرید حدود ۲.۷ برابر سفارش‌های فروش بود.

با این حال در پشت این تصویر نسبتاً متعادل یک علامت هشدار مهم دیده می‌شود: خروج قابل‌توجه سرمایه حقیقی. دیروز ۳ هزار و ۷۱۴ میلیارد تومان پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد. همزمان صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج ۲هزار و ۵۷۸ میلیارد تومان پول حقیقی مواجه شدند. رفتار معامله‌گران حقیقی نیز نشان‌دهنده غلبه احتیاط بود. سرانه خرید حقیقی‌ها ۸۷.۸ میلیون تومان و سرانه فروش آنها ۱۲۴.۴ میلیون تومان ثبت شد. نسبت قدرت خرید حقیقی به منفی ۱.۴۲ رسید؛ به این معنا که متوسط ارزش فروش هر کد حقیقی به شکل محسوسی بیشتر از متوسط خرید بود. این وضعیت پس از رشد قابل‌توجه بورس در هفته گذشته اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بازار در هفته منتهی به سش‌شنبه ۲۰ مرداد یکی از دوره‌های قدرتمند خود را پشت سر گذاشته بود و شاخص کل از محدوده ۵ میلیون و ۴۰۷ هزار واحد به بیش از ۵ میلیون و ۷۳۶ هزار واحد رسیده بود. پس از چنین رشدی، افزایش عرضه و شناسایی سود از سوی بخشی از معامله‌گران دور از انتظار نیست. پرسش اصلی این است که آیا خروج پول دیروز صرفاً نتیجه همین شناسایی سود است یا نشانه آغاز افزایش احتیاط سرمایه‌گذاران. در این میان ارزش معاملات همچنان یکی از نقاط قوت بازار است. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی دیروز به ۳۹ هزار و ۱۵۵ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز ۱۰۳ میلیارد سهم بود. اگرچه این رقم با رکورد تاریخی ۶۵ هزار و ۵۰۵ میلیارد تومانی ثبت شده در هفته گذشته فاصله دارد اما همچنان از گردش بالای نقدینگی در بازار حکایت دارد. مجموع متغیرهای دیروز تصویری دوگانه از بورس ارائه می‌دهد. از یک‌سو تعداد نمادهای مثبت و صف‌های خرید بیشتر است، ارزش سفارش‌های خرید فاصله قابل‌توجهی با فروش دارد و ارزش معاملات همچنان بالاست. از سوی دیگر، شاخص کل تمام رشد ابتدای روز را از دست داده، قدرت فروش حقیقی‌ها افزایش یافته و بیش از ۳.۷ همت سرمایه حقیقی از بازار خارج شده است. بنابراین معاملات شبیه را بیش از آنکه بتوان نشانه پایان روند مثبت بورس دانست باید آزمون بازار پس از یک دوره صعود پرقدرت تلقی کرد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

توهم توطئه

چرا همیشه دنبال دست‌های پنهان می‌گردیم؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

ترانه تازه داریوش اقبالی درباره توهم توطئه که بسیار بحث‌برانگیز هم شده به یکی از ویژگی‌های مهم جوامع گرفتار بحران اشاره می‌کند. اینکه انسان‌ها، گاهی به‌جای جست‌وجوی توضیح در سازوکارهای پیچیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌دنبال یک عامل پنهان، یک دشمن یا گروهی قدرتمند می‌گردند که گو یا همه چیز را از پشت پرده هدایت می‌کند. اما چرا چنین روایتی تا این اندازه جذاب است؟ چرا حتی افراد تحصیل‌کرده، ممکن است توضیحانی را باور کنند که شواهد محکمی برای آنها وجود ندارد؟ اقتصاد اطلاعات، اقتصاد رفتاری و روان‌شناسی اجتماعی هر کدام بخشی از پاسخ این پرسش را در اختیار ما قرار می‌دهند.

نقطه شروع را می‌توان «عدم تقارن اطلاعات» دانست. در علم اقتصاد، عدم تقارن اطلاعات، وضعیتی است که یک طرف مبادله اطلاعات بیشتری از طرف دیگر دارد. جورج آکرلوف در مقاله مشهور «لیمو و لگن» نشان داد که چگونه نابرابری اطلاعات میان خریدار و فروشنده می‌تواند، اعتماد را از بین ببرد و حتی بازاری که در حالت عادی باید کار کند را مختل کند. این مفهوم را می‌توان با کمی احتیاط از بازار کالا فراتر برد. رابطه میان شهروند و حکومت، شرکت و مشتری، بانک و سپرده‌گذار یا رسانه و مخاطب نیز در بسیاری از مواقع با توزیع نابرابر اطلاعات همراه است. شهروند نمی‌داند در جلسات سیاست‌گذاری چه گذشته، چه تصمیمی گرفته شده، منابع چگونه توزیع شده‌اند یا چه کسانی از یک تصمیم منتفع شده‌اند. در شرایط عادی، نهادهای معتبر این فاصله اطلاعاتی را کاهش می‌دهند. آمار رسمی منتشر می‌شود، رسانه مستقل پرسش می‌کند، سیاست‌گذار توضیح می‌دهد و امکان راستی‌آزمایی وجود دارد. اما اگر این سازوکارها ضعیف باشند، فضای خالی اطلاعاتی به‌وجود می‌آید. مسئله اینجااست که فضای خالی اطلاعاتی برای مدت طولانی خالی نمی‌ماند. اگر توضیح معتبر در دسترس نباشد، روایت جای اطلاعات را می‌گیرد. از اینجا می‌توان یکی از ریشه‌های اقتصادی توهم توطئه را مشاهده کرد. هرچه هزینه دسترسی به اطلاعات معتبر بیشتر و قابلیت راستی‌آزمایی کمتر باشد، بازار روایت رونق بیشتری پیدا می‌کند. شایعه در چنین بازاری، کالایی ارزان است. تولید آن هزینه چندانی ندارد اما رد کردنش، پرهزینه است. فردی می‌تواند در چند جمله ادعا کند که افزایش قیمت ارز، ورشکستگی یک بانک، کمبود یک کالا یا وقوع یک حادثه، نتیجه نقشه گروهی پنهان بوده اما اثبات نادرستی همین ادعا ممکن است به ده‌ها صفحه اطلاعات و سند نیاز داشته باشد. این وضعیت با مفهوم دیگری در اقتصاد اطلاعات پیوند می‌خورد که به آن مسئله علامت‌دهی می‌گویند. وقتی مردم نمی‌توانند مستقیماً کیفیت اطلاعات را تشخیص دهند به علامت‌ها متوسل می‌شوند. اعتبار رسانه، سابقه یک نهاد، شهرت یک متخصص و شفافیت فرآیند تصمیم‌گیری همگی علامت‌هایی هستند که به ما کمک می‌کنند میان اطلاعات معتبر و نامعتبر تمایز بگذاریم. اگر این علامت‌ها نیز اعتبار خود را از دست بدهند، تشخیص حقیقت دشوارتر می‌شود. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند، بی‌اعتمادی به نهادها یا باورهای توطئه‌آمیز ارتباط دارد و این بی‌اعتمادی می‌تواند، همکارای اجتماعی و اعتماد میان

افراد را نیز تضعیف کند. اما عدم تقارن اطلاعات به تنهایی کافی نیست. میلیون‌ها نفر ممکن است با اطلاعات ناقص مواجه باشند بدون آنکه الزاماً به نظریه توطئه برسند. برای فهم مرحله بعد باید از اقتصاد کلاسیک فاصله گرفت و وارد قلمرو اقتصاد رفتاری شد. اقتصاد رفتاری فرض ساده انسان کاملاً عقلانی را کنار می‌گذارد. ذهن انسان ماشین بی‌طرف پردازش اطلاعات نیست. ما جهان را از پشت مجموعه‌ای از مابینرهای ذهنی، سوگیری‌ها، ترس‌ها، تجربیات و باورهای قبلی مشاهده می‌کنیم. مرور گسترده‌ای که لورنزو گالگلیاردی درباره نقش سوگیری‌های شناختی در باورهای توطئه‌آمیز انجام داده از مجموعه‌ای از خطاها مانند سوگیری تأییدی، سوگیری تناسب، تشخیص عاملیت و پیش‌اعتمادی سخن می‌گوید. این پژوهش میان سوگیری‌هایی که در شکل‌گیری یک باور نقش دارند و سوگیری‌هایی که پس از شکل‌گیری آن مانع اصلاح باور می‌شوند، تمایز می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین آنها، سوگیری تأییدی است. انسان‌ها معمولاً اطلاعاتی را راحت‌تر می‌پذیرند که باورهای قبلی‌شان را تأیید کند و در برابر اطلاعات ناسازگار، مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. فرض کنید کسی از قبل معتقد باشد، قدرت‌های خارجی عامل اصلی مشکلات کشور او هستند. وقوع هر بحران تازه می‌تواند شاهد دیگری برای این باور تلقی شود. اگر مدرکی برخلاف آن منتشر شود، ممکن است همان مدرک نیز بخشی از توطئه تلقی شود. به این ترتیب توهم توطئه ویژگی عجیبی پیدا می‌کند به این معنی که شواهد موافق آن را تقویت می‌کنند و گاهی شواهد مخالف نیز به شکلی تفسیر می‌شوند که آن را تقویت کنند. سوگیری مهم دیگر، ادراک الگو در میان تصادف‌هاست. مغز انسان اساساً برای یافتن الگو ساخته شده است. این توانایی در بسیاری از مواقع حیاتی است اما گاهی باعث می‌شود در جایی که الگوی واقعی وجود ندارد نیز ارتباطی بینیم. پژوهش یان ویلم ون پرویزن و همکارانش نشان داده که گرایش به دیدن الگو در داده‌های تصادفی و محرک‌های آشفته با باورهای توطئه‌آمیز ارتباط دارد. وقتی چند اتفاق تقریباً هم‌زمان رخ می‌دهند، ذهن ما به سختی می‌پذیرد که ممکن است رابطه مستقیمی میان آنها وجود نداشته باشد. در کنار آن، سوگیری تناسب نیز اهمیت دارد. ذهن انسان تمایل دارد برای رویدادهای بزرگ، علت‌های بزرگ پیدا کند. پذیرش اینکه حادثه‌ای با پیامدهای تاریخی ممکن است محصول مجموعه‌ای از اشتباهات کوچک، تصادف‌ها، ضعف نهادی یا تصمیم‌های پراکنده باشد، دشوار است. هرچه پیامد یک واقعه بزرگ‌تر باشد، توضیح ساده‌ای مانند خطای انسانی یا بدشانسی برای ذهن ما کمتر رضایت‌بخش به‌نظر می‌رسد. حادثه بزرگ ظاهر با طراح بزرگی هم نیاز دارد. سوگیری تشخیص عاملیت نیز در همین نقطه وارد می‌شود. انسان تمایل دارد پشت اتفاقات، اراده و قصد ببیند. اگر قیمت کالایی ناگهان افزایش پیدا کند، توضیحی مانند برهم خوردن هم‌زمان عرضه و تقاضا، اختلال زنجیره تأمین، تغییر انتظارات و سیاست پولی پیچیده است. توضیح اینکه عده‌ای تصمیم گرفته‌اند، قیمت را بالا ببرند بسیار ساده‌تر است. نظریه توطئه، جهان پیچیده را به داستانی با شخصیت‌های مشخص تبدیل می‌کند: قربانی، دشمن، نقشه و هدف. در این میان یک عامل دیگر اهمیت زیادی دارد که به آن احساس از دست دادن کنترل می‌گویند. مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهند، باورهای توطئه‌آمیز در دوره‌های بحران، نااطمینانی و تغییرات سریع اجتماعی بیشتر زمینه رشد پیدا می‌کنند. ون پرویزن و کارن داگلاس نشان داده‌اند

که بحران‌های اجتماعی با ایجاد ترس، عدم قطعیت و احساس ناتوانی، نیاز انسان به یافتن معنا و نظم را افزایش می‌دهند. نظریه توطئه می‌تواند، پاسخی به همین نیاز باشد. تناقض جالبی در اینجا وجود دارد. تصور اینکه جهان را گروهی سرور اداره می‌کنند ظاهراً باید ترسناک باشد اما برای ذهن انسان ممکن است از تصور جهانی که هیچ‌کس آن را کنترل نمی‌کند، قابل تحمل‌تر باشد. اگر گروهی پنهانی عامل اتفاقات باشد، دست‌کم جهان دارای نظم است. دشمنی وجود دارد که می‌توان او را شناخت و مقصر دانست. اما پذیرفتن اینکه بسیاری از تحولات حاصل تعامل هزاران عامل مستقل، اشتباهات انسانی، تصادف و فرآیندهایی خارج از کنترل همه بازیگران هستند بسیار دشوارتر است. پژوهش‌های مربوط به احساس کنترل نیز به همین سازوکار اشاره می‌کنند. توهم توطئه می‌تواند به محیطی آشفته ساختار و معنای ظاهری بدهد. مسئله فقط شناخت فردی نیست. هویت جمعی نیز نقش مهمی دارد. نظریه توطئه، اغلب جهان را به ما و آنها تقسیم می‌کند. گروه ما قربانی است و گروهی دیگر عامل مشکلات. چنین روایتی می‌تواند از عزت‌نفس جمعی محافظت کند زیرا پذیرش اشتباهات خودمان بسیار پرهزینه‌تر از نسبت دادن شکست به دیگری است. پژوهش‌های مربوط به هویت اجتماعی نشان می‌دهد، نظریه‌های توطئه می‌توانند نیاز به تعلق، حفظ تصویر مثبت از گروه خود و احساس امنیت هویتی را تأمین کنند. به همین دلیل، توهم توطئه را نمی‌توان صرفاً نشانه کمبود دانش دانست. حتی افراد باهوش و تحصیل‌کرده نیز می‌توانند، گرفتار آن شوند. گاهی توانایی استدلال به‌جای آنکه برای کشف حقیقت به کار رود، صرف دفاع پیچیده‌تر از باور قبلی می‌شود. در ادبیات اقتصاد رفتاری و روان‌شناسی سیاسی از این پدیده با مفهوم استدلال انگیزمند یاد می‌شود؛ ما همیشه برای رسیدن به حقیقت استدلال نمی‌کنیم، گاهی استدلال می‌کنیم تا به نتیجه‌ای برسیم که دوست داریم. حقیقت داشته باشد. مرور پژوهش‌های موجود همچنین نشان می‌دهد، اتکای بیش از اندازه به شهود و کاهش تفکر تحلیلی با باور بیشتر به نظریه‌های توطئه ارتباط دارد هرچند پژوهشگران درباره رابطه دقیق علی میان این عوامل همچنان محتاط هستند.

در این نقطه شبکه‌های اجتماعی وارد ماجرا می‌شوند. اگر اقتصاد اطلاعات توضیح دهد که چرا تقاضا برای روایت توطئه‌آمیز شکل می‌گیرد و اقتصاد رفتاری توضیح دهد، چرا ذهن انسان پذیرای آن است، شبکه‌های اجتماعی هزینه عرضه و توزیع این روایت‌ها را به‌شدت کاهش داده‌اند. روایت ساده، هیجان‌انگیز و خشم‌آلود مزیت بزرگی در رقابت برای جلب‌توجه دارد. توضیح علمی معمولاً پر از شایده، احتمالاً و بستگی دارد است؛ نظریه توطئه اما با قطعیت سخن می‌گوید. در بازاری که توجه، کمیاب‌ترین کالااست، قطعیت و هیجان می‌توانند از دقت جلو بزنند. از کنار هم قرار دادن این عوامل می‌توان زنجیری را مشاهده کرد: بحران، نااطمینانی ایجاد می‌کند؛ عدم تقارن اطلاعات، پاسخ معتبر را کمیاب می‌کند؛ ضعف اعتماد نهادی، اعتبار منابع رسمی را کاهش می‌دهد؛ ذهن برای کاهش نااطمینانی به‌دنبال الگو و عامل می‌گردد؛ سوگیری تأییدی باور تازه را تثبیت می‌کند؛ هویت گروهی برای آن دشمن می‌سازد و شبکه اجتماعی آن را تکثیر می‌کند. نظریه توطئه در انتهای این زنجیره ناگهان ظاهر نشده بلکه محصول بازاری است که در آن هم تقاضا برای توضیح ساده زیاد است و هم عرضه آن بسیار ارزان. البته یک تمایز اساسی نباید فراموش شود. توطئه در جهان واقعی وجود دارد. دولت‌ها عملیات مخفی انجام می‌دهند، شرکت‌ها تبانی می‌کنند، سیاستمداران اطلاعات را پنهان می‌کنند و تاریخ پر از نمونه‌هایی است که سوء‌ظن اولیه بعدها با اسناد اثبات شده است. بنابراین مسئله شک کردن نیست. شکاکیت حتی برای یک جامعه سالم ضروری است. تفاوت میان شکاکیت و توهم توطئه در روش مواجهه با شواهد است. فرد شکاک می‌پرسد چه مدرکی وجود دارد و چه چیزی می‌تواند، نظر مرا تغییر دهد. ذهن توطئه‌اندیش ابتدا نتیجه را انتخاب می‌کند سپس شواهد را متناسب با آن می‌چیند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۲۰/۳۰۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ و همچنین رای اصلاحی شماره ۱۹۵۵/۳۰۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختملهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی نسبت به چهار و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان یکباب ساختمان به مساحت ۳۳۰۰ متر مربع از پلاک ۱۶۳ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۵ البرز قزوین خریداری از شرکت شهر صنعتی البرز تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس در حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد. لذا مالکیت شرکت بافت و تکمیل گلیوش به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۷۹۵۹۴ لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۴۱۷۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

سپروس محمد بیگی – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۱۸/۳۰۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی نسبت به چهار و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه یکباب ساختمان به مساحت ۵۵۰۰ متر مربع از پلاک ۱۶۴ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۵ البرز قزوین خریداری از شرکت شهر صنعتی تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد لذا مالکیت شرکت بافت تکمیل گلیوش به شناسنامه ملی شماره ۱۰۸۶۱۴۷۹۵۹۴ لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۴۱۷۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

سپروس محمد بیگی – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز

خرید تخلف با پول

سازندگی ماجرای مصوبه شاک را درباره تبدیل آرای تخریبی ماده ۱۰۰ به جرمه بررسی می کند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

آیا می‌توان قوانین ثبت‌شده شهرسازی را با یک بخشنامه دور زد و تخلفات ساختمانی را با اسکناس معاوضه کرد؟ این پرسشی است که طی روزهای اخیر، جامعه شهری و حقوقی ایران را به شدت درگیر کرده است؛ تصمیمی جنجالی که از یک‌سوی شهرداری‌های تشنه درآمد را امیدوار کرده و از سوی دیگر منتقدان آن را آغاز «غارگیری قانونی در حوزه ساخت‌وساز» می‌داند. ماجرا از ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ آغاز شد؛ زمانی که دبیرخانه شورای امنیت کشور طی نامه‌ای به شماره ۷۶۹۹ به استانداری‌ها و وزارت کشور، خواستار تبدیل آرای قطعی قلع‌وقمع و تخریب کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها به جرمه تقدی، اقساط یا تهاتر تا پایان سال ۱۴۰۵ شد. این تصمیم که با توجه مشکلات اقتصادی، جبران خسارات زیرساختی و تأمین منابع مالی شهرداری‌ها صادر شد، در واقع احیای قانونی بود که پیش‌تر تنها برای سال ۱۴۰۲ و تحت‌عنوان بند «ت» تبصره ۶ قانون بودجه اعتبار داشت و منقضی شده بود.

ایست دیوان عدالت به بخشنامه

اما در ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ این روند با یک ایست قانون‌مدارانه مواجه شد و هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری با صدور دستور موقت، اجرای این مصوبه را به دلیل عدم صلاحیت شورای امنیت کشور در ورود به احکام قضایی و شهرسازی متوقف کرد تا سرنوشت آن در هیأت عمومی دیوان تعیین شود. اصلی‌ترین نقد کارشناسان به این بخشنامه، تباہ شدن اثر بازدارندگی قوانین

آموزش

سقوط آزاد رتبه علمی

چرا دانشگاه‌های ایران از رقبای منطقه‌ای جا ماندند؟

گروه اجتماعی: انتشار هم‌زمان نتایج رتبه‌بندی‌های معتبر بین‌المللی ازجمله «شانگهای ۲۰۲۶» و «کیو اس» (QS) ۲۰۲۷، زنگ خطری بی‌سابقه‌تر از گذشته را برای ساختار آموزش عالی و مدیریت کلان علمی در ایران به صدا درآورده است. داده‌های آماری این دو گزارش نشان می‌دهند که دانشگاه‌های ایران با یک افت دسته‌جمعی، ریزش سنگین جایگاه و عقب‌گرد ساختاری مواجه شده‌اند؛ رویدادی که در تلاقی با جهش خیره‌کننده رقبای منطقه‌ای همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ترکیه از فروپاشی تدریجی دیپلماسی علمی کشور پرده برمی‌دارد. براساس گزارش نظام رتبه‌بندی شانگهای ۲۰۲۶ اگرچه تعداد دانشگاه‌های ایرانی حاضر در جمع هزار دانشگاه برتر جهان روی عدد ۶ ثابت مانده اما جایگاه ۵ دانشگاه از این ۶ مرکز (شامل علوم پزشکی تهران، تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی،

صنعتی شریف و تربیت مدرس) دچار سقوط ۱۰۰ تا ۲۰۰ پله‌ای شده است. این افت کیفی درحالی رخ می‌دهد که نگاهی به روند بلندمدت نشان می‌دهد، تعداد دانشگاه‌های ایران در شانگهای از ۱۳ دانشگاه در سال ۲۰۱۹ به نیمی از این تعداد کاهش یافته است. در رتبه‌بندی کیو اس ۲۰۲۷ نیز شرایط به مراتب نگران‌کننده‌تر است؛ تمامی ۱۱ دانشگاه ایرانی حاضر در این فهرست با ریزش رتبه مواجه شده‌اند. دانشگاه تهران با ۴۵ پله افت به رتبه ۳۶۷ تنزل یافته، صنعتی شریف ۱۵ رتبه و صنعتی امیرکبیر ۲۷ رتبه سقوط کرده‌اند. دانشگاه‌های جامع و استانی وضعیت بحرانی‌تری را تجربه می‌کنند؛ به‌طوری‌که دانشگاه تبریز ۱۰۸ پله و دانشگاه‌های شیراز، فردوسی مشهد، اصفهان و آزاد اسلامی افت‌های ۹۰ تا ۲۰۰ پله‌ای را ثبت کرده‌اند که نتیجه آن خروج دانشگاه آزاد از جمع ۱۴۰۰ دانشگاه برتر جهان بوده است.

پیش‌تازی همسایگان و جا ماندن تهران
در شرایطی که آموزش عالی ایران به چند مرکز محدود وابسته شده، کشورهای منطقه سناریوی متفاوتی را رقم زده‌اند. عربستان سعودی با ۲۲ دانشگاه در رتبه‌بندی کیو اس و جهش ۶۷ درصدی در تولید اسناد علمی، «دانشگاه نفت و مواد معدنی ملک فهد» را به رتبه ۶۳ جهان رسانده است. امارات متحده عربی با قرار دادن دانشگاه خلیفه در جایگاه ۱۴۷ و داشتن ۳ دانشگاه زیر رتبه ۳۰۰ الگوی موفق‌ی از جذب نخبگان را ارائه داده است. ترکیه نیز با ۲۵ دانشگاه در این فهرست پیش‌تازی می‌کند، درحالی‌که ایران با تنها ۱۱ دانشگاه کمترین سهم را در میان چهار کشور اصلی منطقه دارد.

بحران بودجه ارزی و قطعی اینترنت

بررسی‌ها نشان می‌دهد این ریزش سنگین، حاصل تلاقی بحران‌های زیرساختی و تصمیمات سیاسی است. حسین سیمایی صراف، وزیر علوم با تأیید روند نزولی از سال ۲۰۲۱ موانعی چون عدم تخصیص سهم مشخص از تولید ناخالص داخلی به پژوهش، فرسودگی تجهیزات آزمایشگاهی و تضعیف ارتباطات بین‌المللی را از علل اصلی دانسته است. ابعاد بحران بودجه در آمارهای ارزی روشن‌تر است؛ اعتبارات

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۲۱/۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۳۰۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان البرز قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی نسبت به چهار و نیم دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه یکپاک ساختمان به مساحت ۵۳۹۰ متر مربع از پلاک ۱۰۹ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ۵ البرز قزوین خریداری از شرکت شهر صنعتی البرز تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی های محلی کارشناس که حکایت عدم تعارض و بلا منازع بودن تصرفات متقاضی دارد لذا مالکیت آقای منوچهر نبی لو به شناسنامه شماره ۱۰۶۷ کد ملی ۳۳۷۰۳۱۶۱۱۱ ۴۳۷۰۳۱۶۱۱۱ صادره فرزند شیرینعلی لانا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم ورسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت می نمایند و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد

شناسه آگهی: ۲۲۴۱۷۳۹۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶
سپروس محمد بیگی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز

بیان کرد: مرجع تجدیدنظر نسبت به تصمیمات کمیسیون ماده ۱۰۰ دیوان عدالت اداری است و پس از رسیدگی در دیوان عدالت اداری و قطعی و نهایی شدن رأی، هیچ مرجع دیگری در کشور نمی‌تواند، مانع اجرای احکام صادر شده مبنی بر تخریب بناهای غیر مجاز شود. کاشسانی تأکید کرد: وزارت کشور، شورای امنیت کشور و هیچ وزارتخانه یا مقام دولتی دیگری نمی‌توانند پس از رسیدگی قطعی و نهایی به آرای کمیسیون ماده ۱۰۰



در دیوان عدالت اداری، دسترسی برای جلوگیری از اجرای این احکام صادر کند. او افزود: مقررات شهرسازی برای حفظ نظم عمومی وضع شده‌اند و نمی‌توان اجرای احکام قطعی مراجع قانونی را با تصمیمات خارج از فرآیند قانونی متوقف کرد. اگر قرار باشد، رأی قطعی صادر شود اما در مرحله اجرا امکان جلوگیری از آن توسط دستگاه‌ها و مقامات مختلف وجود داشته باشد، اساساً فلسفه رسیدگی قانونی و صدور رأی نهایی زیر سوال خواهد رفت.

شهر بر سر دوراهی قانون یا درآمدفروشی

شهرداری‌ها همواره با کسری بودجه مواجهند و پر کردن دخل با استفاده از جرمه‌های تخلفات ساختمانی، راهکاری آسان اما مخرب برای آنهاست. برای نمونه در شهری مانند اردبیل بیش از ۵ هزار پرونده بلا تکلیف با حکم تخریب وجود دارد که شهرداری‌ها چشم به درآمد حاصل از تبدیل آنها دوخته‌اند. درحالی‌که مدیریت شهری این طرح را فرصتی برای تعیین تکلیف پرونده‌های بلا تکلیف و تسریع در خدمات‌رسانی می‌داند، حقوق‌دانان و کارشناسان شهری آن را نوعی قانون‌فروشی، کسب درآمد ناسالم و آسیبی جبران‌ناپذیر به ضوابط شهرسازی قلمداد می‌کنند. تصمیم نهایی دیوان عدالت اداری در هفته‌های آینده مشخص خواهد کرد که آیا مدیریت شهری ایران به سمت حاکمیت قانون و صیانت از ساختار شهر حرکت می‌کند، یا با ترجیح درآمد‌های مقطعی، تخلف‌فروشی را به یک رویه رسمی و ماندگار تبدیل خواهد ساخت.

پژوهشی معاونت تحقیقات وزارت بهداشت از ۲۱ میلیون یورو (۱۳۰ میلیارد تومان) در سال ۱۳۹۶ به رقم ریالی ۲۲۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده که به دلیل افت ارزش پول ملی معادل تنها ۱۰۴ میلیون یورو است. این آب رفتن شدید اعتبارات ارزی، تأمین مواد اولیه و کیت‌های آزمایشگاهی را مختل کرده است. علاوه بر فقر مالی شاهین آخوندزاده، معاون تحقیقات وزارت بهداشت، افشا کرده که پژوهشگران ایرانی به دلیل قطعی و محدودیت‌های شدید اینترنت عملاً یک‌سوم از سال ۲۰۲۶ را از دست داده‌اند. به گفته او تنها همین ۳ ماه قطعی اینترنت به کاهش حدود ۱۰ هزار مقاله علمی و ریزش شدید در شاخص‌های کلان تولید سند منجر می‌شود.

بن‌بست در اهداف اسناد بالادستی

طبق قانون برنامه هفتم توسعه، ایران مکلف شده تا سال ۱۴۰۷ به رتبه ۱۴ علمی جهان دست یافته و دست‌کم ۲۰ دانشگاه با رتبه زیر ۵۰۰ داشته باشد. با این حال کارنامه کنونی نشان می‌دهد در حال حاضر تنها ۳ دانشگاه ایرانی (تهران، شریف و امیرکبیر) در جمع ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان باقی مانده‌اند، درحالی‌که رقبای منطقه‌ای هر کدام دست‌کم ۶ دانشگاه زیر رتبه ۵۰۰ دارند.

ادامه سرمقاله

نسخه‌پیچی رادیکال‌ها

در نهایت باید به این نکته توجه کرد که کشور از ظرفیت بسیار ارزشمند نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برخوردار است. مسئولان امنیتی و شخصیت‌های صاحب‌نظر در حوزه اطلاعات، تجربه‌های فراوانی دارند و خوشبختانه مردم ایران و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی کشور نیز سابقه درخشانی در این حوزه دارند. در طول سه دهه گذشته همواره با پروژها و درگیری‌های مختلف مواجه بوده‌اند و همین تجربیات، آنها را از نظر حرفه‌ای توانمند و پخته کرده است. فکر می‌کنم به‌جای آنکه برخی نمایندگان حرفه‌ای است شاید بهتر باشد، مسئولان اطلاعاتی و امنیتی کشور برای این حضرات کلاس آموزشی بگذارند و به آنان توضیح دهند که تأمین امنیت کشور چگونه باید انجام شود و کدام تصمیم‌ها به‌جای کاهش تهدید، ممکن است خود به عاملی برای افزایش آسیب‌پذیری تبدیل شود.

